

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان

گزارش برگزاری

چهارمین همایش بین‌المللی «گفتگوهای افغانستان و آسیای میانه»

«رابطه جیوپلیتیک و تروریسم»

۲۳-۲۴ سرطان ۱۳۹۶ - بامیان



www.aiss.af

فهرست مطالب

۳	رابطه «جیئوپالیتیک» و «تروریسم»
۶	جلسه کاری اول: جهان در حال گذار؛ بازگشت جیوپولیتیک؛ سیر تکاملی تروریسم
۸	پرسش‌ها و اظهار نظرها:
۱۰	نشست کاری دوم: بازی بزرگ جدید: کشورهای آسیای میانه: بازیگران یا ناظرین منفعل؟
۱۴	پرسش‌ها و اظهار نظرها:
۱۵	نشست کاری سوم: قدرت‌های خارجی: قواعد بازی
۱۹	پرسش‌ها و اظهار نظرها:
۲۰	نشست کاری چهارم: افغانستان: از بازی بزرگ تا تفاهم بزرگ
۲۳	پرسش‌ها و اظهار نظرها:
۲۴	نشست کاری پنجم: خلع سلاح فکری تروریست‌ها؛ روایت‌های بومی
۲۷	پرسش‌ها و اظهار نظرها:
۲۸	نشست کاری ششم: نگاهی به آینده
۳۱	پرسش‌ها و اظهار نظرها:
۳۲	ضمایم
۳۲	ضمیمه ۱ برنامه کاری:
۳۴	ضمیمه ۲ لیست شرکت‌کنندگان:
۳۶	ضمیمه ۳ بازتاب خبری همایش در رسانه‌های ملی و بین‌المللی:
۳۷	ضمیمه ۴ لوگو و تصاویر همایش:

رابطه «ژئوپولیتیک» و «تروریسم»

«تروریسم» در حالی که پدیده قدیمی است، در قرن جدید تبدیل به مهمترین گفتمان سیاسی-امنیتی شده است. از زمان حملات یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱، تروریسم بسیاری کشورها را در محاصره گرفته و تاثیر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مهمی بر جامعه بین المللی گذاشته است. اما گسترش تروریسم با درک فکری و / یا تفاهم سیاسی در مورد عوامل تروریسم و استراتژی‌های موثر ضد تروریسم همراه نشده است. علی‌رغم مصیبت تروریسم و فراگیری جهانی آن، رویکردها و اهداف مختلف سیاسی مانع بوجود آمدن تفاهم بین المللی و ائتلاف جهانی علیه این تهدید شده است. "بازگشت ژئوپولیتیک" به سیاست بین الملل تحول جدیدی در صحنه هم‌اکنون شلوغ "نبرد جهانی علیه تروریسم" می‌باشد.

دو منطقه آسیای غربی و آسیای میانه اکنون تبدیل به میدان جنگ تروریست‌ها و صحنه‌ای برای "بازی بزرگ" رقابت میان قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی شده است. پس از سقوط رژیم طالبان در اواخر سال ۲۰۰۱، اشغال عراق در سال ۲۰۰۳، جنگ جاری علیه تروریسم با تحولات جدید سیاسی و مفاهیم نو مانند "بهار / زمستان عربی"، "هلال شیعی"، "عثمانیسم نو"، "بیداری خرس روسی"، "ناگوی مسلمان"، "ابتکار یک جاده و یک کمربند"، "ظهور داعش"، "بریکس"، "کاهش هزینه‌های اوباما" و "اول امریکای ترامپ" همراه شده است. افغانستان و همسایه‌گان شمالی‌اش از این تحولات جدید متاثر شده‌اند، هرچند به درجات مختلف.

چهارمین گفتگوی افغانستان - آسیای میانه فرصتی مهیا ساخت برای کارشناسان و جامعه پالیسی‌ساز تا این موضوع را بررسی نمایند که این تحولات ژئوپولیتیک چگونه بر تلاش‌ها و آسیب‌پذیری آنها علیه تروریسم تاثیر کرده است. در جریان شش نشست کاری شماری از مسایل از سوی سخنرانانی از افغانستان، کشورهای آسیای میانه و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. این مسایل عبارت‌اند از:

- افغانستان و کشورهای آسیای میانه تحولات ژئوپولیتیک را چگونه می‌بینند؟
- خصوصیات "بازی بزرگ" جدید چیست؟
- آیا تروریسم باعث تشدید "بازی بزرگ" جدید می‌شود یا اینکه تروریسم "بازی بزرگ" را استتار می‌کند؟
- استفاده از تروریسم به عنوان یک ابزار "بازی بزرگ" بر ثبات و انکشاف منطقه چه تاثیراتی دارد؟
- آیا نبرد با تروریسم باعث اتحاد قدرت‌های رقیب می‌شود؛ چنانچه جنگ با فاشیسم اتحاد جماهیر شوروی و جهان غربی را در جریان جنگ جهانی دوم متحد ساخت؟
- آیا ترس از "سوریه شدن افغانستان" می‌تواند قدرت‌های جهانی را تشویق کند تا برای ثبات و امنیت افغانستان کار کنند؟ اگر بلی، چطور؟
- آیا سازمان‌های منطقه‌ای برای ایجاد تفاهم سیاسی در مورد "تروریسم" و جلوگیری چرخه دیگری از "بازی بزرگ" در منطقه نقش دارند؟
- روایت‌های و ابتکارات بومی برای مقابله با افراط‌گرایی و تروریسم چیست؟
- مکانیزم همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در چه وضعی است؟

افغانستان و پنج جمهوری آسیای مرکزی به شمول ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان؛ فضا و نظام امنیتی، اقتصادی و فرهنگی مشترک دارند. از سال ۲۰۰۱، ما شاهد افزایش و بهبود قابل توجه در تعاملات، تبادلات، اتصالات و همکاری‌ها

میان افغانستان و همسایه‌گان شمالی‌اش هستیم. اما، علی‌رغم دستاوردهای اخیر و نزدیکی جغرافیایی، فاصله چشم‌گیری میان افغانستان و ظرفیت جمهوری‌های آسیای میانه برای همکاری و پرداختن به مسایل جاری وجود دارد.

این گفتگوها تلاش دارد تا دلایل فاصله میان ظرفیت‌ها و وضعیت بالفعل همکاری‌ها را شناسایی کرده و راهکارها و استراتژی‌های موثر برای تقویت همکاری و پیوستگی میان افغانستان و آسیای میانه ارائه دهد.

نمایندگانی از دولت افغانستان، سفرای جمهوری‌های آسیای میانه در کابل و نماینده‌گانی گزینش شده از دولت‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مرتبط از جمله دعوت شده‌گان به این همایش هستند.

گزارش این گفتگو برای مخاطبان در ساحه وسیع‌تر منطقه و فراتر از آن به هدف کمک به سیاست‌گذاران جهت اتخاذ تدابیر مناسب برای تقویت روند همکاری‌ها و ادغام منطقه‌ای تدارک دیده شده است.

هدف این است تا این گفتگو تبدیل به انجمن دائمی کارشناسان و جامعه سیاست‌گذار در افغانستان و جمهوری‌های آسیای میانه شود تا امکان اساس گذاری امنیت همکارانه و جامعه اقتصادی و فرهنگی میان افغانستان و آسیای میانه فراهم گردد.

خوش آمدگویی و افتتاحیه

داکتر داوود مرادیان در افتتاح برنامه با خوش آمدگویی به مهمانان داخلی و خارجی گفت: انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان نقش قالین را به عنوان نمادی برای این گفتگوها برگزید تا یادآور شود منطقه ما در گذشته به مانند یک قالین یکپارچه با نقش‌ها و طرح‌های گوناگون بوده که متأسفانه در اثر حوادث ناگوار تکه تکه شده است. "متأسفانه حوادث تلخ روزگار این قالین زیبای منطقه ما را تکه و پارچه کرده و به جزیره‌هایی تبدیل کرده است؛ جزیره‌هایی که با یکدیگر آشنا نیستیم، به یکدیگر اعتماد نداریم، از یکدیگر هراس داریم و می‌خواهیم که به حقوق یکدیگر تجاوز کنیم." او تأکید کرد هدف اصلی انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان ایجاد تفاهم منطقه‌ای است. "ما مطمئن هستیم که از راه گفتگو می‌توانیم شناخت بیشتری از یکدیگر پیدا کنیم. این شناخت بیشتر اعتماد می‌آورد و امیدوار هستیم که پس از اعتماد سازی ما شاهد همکاری‌های عملی برای ایجاد دوباره یک منطقه پراز صفا و صمیمیت و امنیت باشیم." آقای مرادیان همچنان از مردم بامیان، مقامات محلی، دانشگاه بامیان، جامعه مدنی، رسانه‌ها و سایر همکاران انستیتوت به شمول وزارت خارجه و شورای امنیت افغانستان و سفارت امریکا که برای برگزاری این گفتگوها در بامیان اهتمام ورزیده اند، سپاس‌گزاری کرد.

ظاهر ظهیر، والی ولایت بامیان سخنرانی خود را با استقبال از کنفرانس به عنوان اقدامی جهت تقویت رویکرد استراتژیک به جانب مسایل مهم مانند "امنیت منطقه‌ای" ارائه کرد. "در جهان معاصر، با توجه به کم رنگ شدن مرزهای جغرافیایی و سیاسی، نمی‌توان امنیت را متاعی برشمرد که بتوان آن را به گونه‌ی انحصاری جستجو کرد؛ مرزها، دیگر همچون گذشته عبور ناپذیر و غیر قابل نفوذ به نظر نمی‌رسند؛ بلکه، جریان‌های سیاسی در اشکال معنوی همچون اندیشه‌ها و تفکرات و یا در قالب‌های فیزیکی مانند گروه‌های تروریست و خشونت طلب و شبکه‌های قاچاق سلاح، بدون توجه به مرزهای مذکور، سطح منطقه و جهان را جولانگاه خویش قرار داده‌اند. بنا بر این امنیت منطقه‌ای به عنوان یکی از مقیاس‌های ضروری تحلیل مسایل امنیتی مطرح شده است." آقای ظهیر نسبت به وضعیت فعلی آسیای میانه که مورد هجوم گروه‌های تروریستی قرار گرفته است هشدار داد. او همچنان از ظرفیت‌های بامیان برای میزبانی کنفرانس‌ها و الگو شدن برای دیگر شهرهای افغانستان سخن گفت. "تنها تاریخ و گذشته‌ی پرافتخار بامیان نیست که ظرفیت متناسب میزبانی برنامه‌های کلان فرهنگی و سیاسی آن را توجیه می‌کند، بلکه، بامیان کنونی نیز با توجه به ویژگی‌های صلح‌خواهی، مدنیت پروری، مدارا و بردباری ساکنان آن، این شایستگی و ظرفیت را مضاعف می‌سازد؛ چنانکه، لقب «شهر خلاق» و عنوان «پایتخت فرهنگی سارک» را به خود اختصاص داده است."

سپس داکتر عبدالله عبدالله رییس اجرائیه حکومت وحدت ملی در سخنرانی خود با استقبال از برگزاری کنفرانس در بامیان، بر ضرورت استفاده از فرصت‌های منطقه‌ای تأکید کرد. "منطقه ما فرصت‌های بسیار خوبی را در پیش رو دارد و چالش‌های بزرگی هم در پیش رو قرار دارد. بازهم می‌ایم به بامیان. یک طرف از تمدن و فرهنگ، عرفان و تاریخ و از اندیشه صحبت می‌کنیم و از طرف دیگر، همین لوحه‌هایی که در پیش روی شماست یادگار جهل، ظلمت، و تاریکی و تخریب مجسمه‌های بوداست. اگر در منطقه تجارت، ترانزیت، مواصلات، انتقال انرژی، گفتگوها میان مردم، رفت و آمد میان مردم و تبادل فرهنگی وجود داشته باشد، زمینه‌های شکوفایی منطقه را بیشتر از پیش مساعد می‌سازد، در طرف دیگر شبکه‌های تروریستی، گروه‌های تاریک اندیش، مافیای مواد مخدر و جرایم سازمان یافته است که میان این دو حرکت یک مسابقه جریان دارد. در سال‌های قبل، در منطقه کارهای بسیار خوبی صورت گرفته است." او تأکید کرد که در مبارزه با تروریسم، کشورها نباید میان گروه‌های مختلف تروریستی تفاوت و تبعیض قایل شوند. "همکاری‌ها در بعضی جاها کم است، در جایی وجود ندارد. در جایی هم ما با یک چالشی مواجه هستیم که هنوز هم متأسفانه از

گروه‌های تروریستی حمایت صورت می‌گیرد. بین القاعده، داعش و یا گروه طالبان که از حملات تروریستی کار می‌گیرد یا گروه‌های تروریستی دیگر، فرقی وجود ندارد. آن گروهی که رابطه خود را با تروریسم قطع کرد و آمد و صلح را اختیار کرد آنگاه بحث جداست. بعضی کشورها رجحان قابل می‌شوند. این یک اشتباه محض است و همانطوری که کشورها قیمت اشتباهات گذشته خود را پرداخته اند و مردمان این منطقه قیمت آن را نیز پرداخته اند، این اشتباه هم قیمت‌اش بسیار بزرگ است."



جلسه کاری اول: جهان در حال گذار؛ بازگشت جیوپولیتیک؛ سیر تکاملی تروریسم



گرداننده:

محترم لطف الله نجفی زاده، مسی طلوع نیوز

سخنرانان:

- امرالله صالح، رئیس روند سبز افغانستان
- داکتر نظیف شهرانی، استاد دانشگاه اندیانا - امریکا
- کملجون عبدالله یوف، پژوهشگر دانشگاه اقتصاد جهان و دیپلوماسی - ازبکستان

آقای نجفی زاده در سرآغاز نشست کاری اول این سوالات را مطرح کرد: سوال اول این است که آیا ما در منطقه یک تعریف مشترک از تروریسم داریم یا خیر؟ آیا ما در منطقه از منافع مشترک برخورداریم؟ ما همیشه از مشترکات فرهنگی و تاریخی صحبت می‌کنیم، اما پرسش این است که امروز ما از کدام مشترکات برخورداریم که برای مبارزه مشترک با تروریسم ضروری اند؟ آیا ما در منطقه تروریسم را به عنوان یک ابزار سیاست خارجی استفاده می‌کنیم یا خیر؟ اگر آری چرا و گرنه چطور می‌توانیم جلو آنرا بگیریم؟ فرق جیوپولیتیک امروز با بازی بزرگ قرن هجده در منطقه ما چیست؟ و بالاخره ما چطور می‌توانیم با نفوذ گروه‌های تروریستی در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی مقابله کنیم؟

نخستین سخنران نشست کاری اول، آقای عبدالله یف، سخنرانی‌اش را در محور تحقیق خود با عنوان "جنبه‌های روش شناختی مطالعات جئوپولیتیک، تروریسم و جنبش‌های سیاسی" ارائه کرد. در آغاز سخنرانی خود گفت که دیدگاه او بر دو ادعا بنا شده است:

اول) انکشافات فعلی نیازمند تحقیق میان رشته‌ای و استفاده از چارچوب‌های تحلیلی جامعه‌شناسی در روابط بین‌الملل است. و دوم) ترویج دیموکراسی از خارج در کشورهای کم ظرفیت و غیر دیموکراتیک به بی ثباتی می انجامد. " بنا بر اظهارات او " کارشناسان روابط بین‌الملل و مطالعات امنیتی سعی فراوان کرده‌اند تا مسایل مرتبط با جنوپالیتیک (جغرافیای سیاسی) و تروریسم را توضیح بدهند درحالی که جنبش‌های اجتماعی زیر نظر جامعه‌شناسان قرار داشته است. بهار عربی، موج مظاهرات خشونت بار و مسالمت آمیز، شورش‌ها، کودتاها و جنگ‌های داخلی در خاورمیانه و شمال افریقا واضحا حاکی از شکست کارشناسان روابط بین‌الملل در توضیح رابطه میان دیموکراسی و نقش بسیج اجتماعی در تامین ثبات در کشورهایمانند لیبیا، مصر، یمن، سوریه و عراق بود - جایی که یا دولت‌ها ساقط شدند یا شورش‌های عمده و خشونت اجتماعی به شمول شورش و تروریسم به وقوع پیوست. از سوی دیگر جامعه‌شناسان بیشتر متوجه بستر داخلی مسایل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بودند و نقش عوامل خارجی به شمول عوامل جنوپولیتیک را نادیده انگاشتند. مطابق نظریه من، هنگامی که دیموکراسی و ظرفیت بالا با هم تلاقی کنند، نتیجه‌اش احتمالا این می‌شود که جنبش‌های اجتماعی به سرانجام مثبت می‌رسد اما در دیموکراسی‌های کم ظرفیت، جنبش‌های اجتماعی احتمالا به بی ثباتی و تروریسم منجر خواهد شد. " آقای عبدالله یف سخنرانی خود را چنین جمع بندی کرد که " بنا براین، سوال اصلی برای آسیای میانه به شمول افغانستان این است که آیا جوامع ما از دولت‌های دیموکراتیک با ظرفیت بالا برخوردار هستند یا خیر. با پاسخ دادن این سوال ما می‌توانیم تصمیم بگیریم که آیا لازم است جنبش‌های اجتماعی را با حمایت بازیگران خارجی تقویت کنیم یا اینکه باید بنا بر شرایط خودمان به اولویت بندی برای تقویت ظرفیت‌های خود و ترویج دیموکراسی اقدام کنیم. "

سخنران دوم این نشست کاری آقای شهرانی، به برخی از سوالات مقدماتی به شمول مسئله تروریسم و تحول تاریخی وضعیت امنیتی فعلی پرداخت. او تاکید کرد که " ما نباید اصطلاحاتی را که از سوی رسانه‌های مسلط در جهان غرب ترویج می‌شوند، مبنای کار قرار دهیم. ما باید به تجدید نظر و بازاندیشی مسایل بپردازیم تا تصویر متفاوتی از وضعیت ارائه دهیم. " دکتر شهرانی در مورد چهار دوره مهم تاریخ جهان صحبت کرد که در طول پنج سده گذشته بیانگر چهار نوع سلطه می‌باشد: اول) زمانی آسیای میانه بر اوضاع تسلط داشت که در این دوران ما "سلطه ایمان" را داریم. در این دوران امپراطوری‌های بزرگ در اطراف جهان وجود داشتند که حول محور دین و ایمان می‌چرخیدند. آن ساختارهای سلطه به خودمختاری محلی اجازه می‌دادند و در مدت زمان طولانی با تنش اندک بقا داشتند. بیشتر تنش‌ها میان امپراطوری‌ها بود نه در دوران آنها. دوم) زمانی که دنیای غرب بر جهان مسلط شد ما شاهد "سلطه تجارت" هستیم. امپراطوری تجارت عمدتا متکی به استخراج منابع بود. آنها علاقمند به کشف سرزمین‌ها به هدف دست یافتن به منابع و آوردن آن به اروپا برای ارتقای رفاه خود بودند. سوم) سلطه توسط تسخیر؛ امپراطوری‌های تسخیر مدت زیادی دوام کرد. البته مردمی که تحت حکومت این نوع از سلطه زندگی می‌کردند، مقاومت نشان دادند و به جنگ‌هایی برای بدست آوردن استقلال خود اقدام نمودند. به تدریج کشورها استقلال خود را گرفتند اما استقلال آنها دیر نپایید زیرا سلطه نام‌اش را تغییر داد. چهارم) سلطه از طریق اعتماد و دعوت؛ پس از جنگ جهانی دوم، جهان شاهد چیزی بود که قبلا ندیده بود و آن سلطه از طریق دعوت بود؛ سلطه از راه اعتماد. این امپراطوری در زمان جنگ جهانی اول و دوم آغاز شد، زمانی که اروپایی‌ها ایالات متحده امریکا را برای کمک و همیاری به اروپا دعوت کردند. البته چین امروز با امریکا در حال رقابت است. " او افزود که در سال‌های ۱۹۹۰ میلادی افغانستان هم به شرایطی کشانده شد که به التماس خواهان مداخله امریکا گشت. اما علی‌رغم بهره مند شدن از بیلیون‌ها دالر کمک تحت مداخله امریکا، افغانستان به وابستگی شدید دچار شد. آقای شهرانی از یک جنگ دوگانه سخن گفت که در حال حاضر در افغانستان و کشورهای مشابه از سوی نظامیان و سازمان‌های بشر دوستانه پیش برده می‌شود، درحالی که رژیم‌های سیاسی در این کشورها به مردم شان پاسخگو نیستند. " آنها با خود جنگ مخرب می‌آورند که جوامع را متلاشی می‌سازد. اما همزمان آنها به اقدامات بشر

دوستانه می‌پردازند که بر زخم مرهم می‌نهد... مردم در این کشورها اسیر هستند و نمی‌توانند به جایی بروند، زیرا این دولت‌ها از خشونت کار می‌گیرند و از هر وسیله‌ای استفاده می‌کنند تا مانع بحث و گفتگوهای سیاسی شوند و راه‌های سیاسی حل مشکلات را از بین می‌برند. بنا بر این آنها عصبانی شده و خشم آنها منجر به تولید خشونت می‌گردد و این چیزی است که ما شاهد آن می‌باشیم. وقتی با سیاست خشم به طور درست برخورد صورت نگرفت، شرایط را برای تروریسم و دیگر انواع خشونت فراهم می‌کند. " آقای شهرانی از دولت‌های منطقه و سازمان‌های بین‌المللی خواست تا به جای تمرکز بر راهکارهای نظامی بر اصلاحات سیاسی تمرکز کنند. " اینجا نقطه‌ای است که ما باید به سیاست خشم پایان دهیم. مردم خواهان تغییرات سیاسی اند، اما فرصت لازم به آنها داده نشده است. " او صحبت‌هایش را با تذکر این که افغانستان نیازمند خودکفایی است پایان داد. " در شانزده سال گذشته، چند بند آب در افغانستان ساخته شده تا به خودکفایی کشور کمک کند؟ یا اینکه از انرژی خورشیدی و آب چقدر استفاده شده است؟ به جای استفاده از این منابع ما چی می‌کنیم؟ ما انرژی را از کشورهای دیگر وارد می‌کنیم یا تاسیسات برای انتقال انرژی از طریق افغانستان می‌سازیم. افغانستان نیازمند خودکفایی است. "

سخنرانی آخر این نشست کاری، آقای صالح سخنرانی‌اش را با تاکید بر این نکته آغاز کرد که مرزهای میان کشورهای منطقه مصنوعی و به میراث مانده از دوره‌های استعماری است. او گفت که این مرزهای مصنوعی نباید پیوستگی تاریخی مردم منطقه را محدود نماید. " روس‌ها و انگلیسی‌ها دو تبر تیزی بودند که ما را تکه پارچه کردند. ما در زمان‌های نه چندان دور یک مردم بودیم. جوامع ما بسیار قدیمی و اصیل و این مرزها بسیار مصنوعی اند. " او گفت تاریخ معاصر افغانستان به چهار دوره مجزا قابل دسته بندی است: اول) دوره بازی بزرگ که دوره پیش از استقلال کشورهای آسیای میانه است. دوم) دوره جنگ سرد، سوم) دوره پسا جنگ سرد، و چهارم) دوره پس از یازده سپتامبر که با برآمدن تروریسم شناخته می‌شود. " در جنگ سرد، ما به عنوان افغانستان وضعیت بی طرفی خود را به حیث سرزمین حایل حفظ کردیم؛ هر چند ما تا یک اندازه دچار دخالت قدرت‌های منطقه‌ای خارجی بودیم، اما به طور کل بی طرف باقی ماندیم. در برخی برهه‌ها افغانستان از جنگ سرد نفع برد اما در مراحل اخیر آن یک قربانی بود. قربانی مناقشه بسیار شدید، بی رحمانه و کشنده دو امپراطوری ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی که جنگ نیابتی را در افغانستان برپا کردند. سپس دوره پس از جنگ سرد شروع شد. افغانستان کاملاً به حال خود رها شد و سیاست استبدادی منجر به پیش آمد یازدهم سپتامبر گشت. در دوره پس از یازدهم سپتامبر، ما دوباره به جهان وصل شده‌ایم. اما چه چیزی ما را امروز جدا از هم نگه می‌دارد؟ " آقای صالح گفت که در دوره پس از یازدهم سپتامبر، پاکستان از سه گرایش اسلام سیاسی، اسلام رادیکال و اسلام خشونت طلب برای تعقیب سیاست خارجی خود استفاده کرده است. او پیشنهاد کرد که برای مقابله با تروریسم، کشورهای منطقه به شمول افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی باید به هم وصل شوند و برای پیشرفت و ترقی فرصت‌های مشترک ایجاد کنند. " امروز افغانستان به نیمی از راه حل رسیده است. تجارت ما با پاکستان به نصف کاهش یافته است. این امر در نتیجه ارتباط ما با آسیای میانه صورت گرفته است... اکنون، وقتی شما به آسیای میانه بروید، یک احساس برای به هم پیوستن وجود دارد. یک درک از اهمیت وصل شدن به جنوب آسیا از طریق افغانستان. ترس بزرگی نیز در بین وجود دارد که اگر ما با این مردم (افغان‌ها) وصل شویم، با افراط‌گرایی، خشونت و تروریسم وصل می‌شویم. برای رها شدن از این نگرانی، چالش زمان ما گفتگو با پاکستان است. "

پرسش‌ها و اظهار نظرها:

سوال دوم: آقای صالح! وقتی شما از مذاکره با پاکستان صحبت می‌کنید، دقیقاً منظور شما چیست؟

سوال اول: با توجه به اینکه افغانستان یک کشور کم ظرفیت است، چگونه ما می‌توانیم به یک کشور دیموکراتیک تبدیل شویم؟

سوال سوم: در این شکی نیست که هر گروهی که مخالف ارشادات دین اسلام عمل کند، قابل قبول نیست. ولی اینکه ما اسلام را به دو سه دسته تقسیم می‌کنیم که اسلام رادیکالی هست و اسلام سیاسی هست، به نظر من در اسلام چنین تقسیماتی وجود ندارد. بلکه مشکل این است که فهم از روح اصلی اسلام وجود ندارد که اسلام چی هست. همچنین اکثر وقت ما در مورد این گروه و آن گروه تروریستی حرف می‌زنیم، ولی در مورد کسانی که این گروه‌ها را کمک کرده یا به میان آورده‌اند اشاره ای نمی‌کنیم. از سوی دیگر هنوز تعریف یکدست و اتفاقی از تروریسم وجود ندارد. آیا تجاوز اتحاد جماهیر شوروی بر آسیای میانه و افغانستان تروریسم نیست؟ آیا حمله امریکا بر عراق و کارهای نادرستی که در افغانستان انجام می‌دهد، تروریسم نیست؟ آیا جنگ‌هایی که در سوریه جریان دارد تروریسم هست یا نیست؟

پاسخ آقای صالح: در پاسخ به اینکه دسته بندی اسلام در اسلام نیست، من گفتم که اسلام سیاسی اسلام نیست، یک مکتب سیاسی است که نام‌های مختلفی دارد؛ در یک جای اسمش را حزب التحریر مانده‌اند، در یک جای جمعیت اسلامی، در یک جای حزب اسلامی و در یک جای چیزی دیگر.

معمای مذاکره با پاکستان ناشی از خواست‌های پاکستان است. حدس من این است که پاکستان می‌خواهد از توافقنامه سال ۱۸۹۳ دیورند به حیث یک چارچوب برای مذاکره استفاده کند- البته شاید پاکستان نخواهد تمام آنرا بر افغانستان تحمیل کند اما این چارچوب آنها برای مذاکره است. در این چارچوب آنها پنج هدف را دنبال می‌کنند: (۱) آنها خواهان تعیین مرزهای جغرافیایی هستند. (۲) آنها می‌خواهند سیاست خارجی افغانستان را تعیین کنند. (۳) آنها می‌خواهند وضعیت اقتصادی افغانستان را تعیین کنند. (۴) آنها می‌خواهند وضع امنیتی و دفاعی ما را تعیین کنند. و (۵) آنها می‌خواهند یک ملا که ترجیحا درس خوانده مدارس خودشان باشد، در ارگ افغانستان حکمرانی کند. اینها پنج هدفی است که پاکستان می‌خواهد در چارچوب توافقنامه ۱۸۹۳ در مذاکره با افغانستان به دست آورد.

جواب آقای شهرانی: نظریه‌ای که از ظرفیت بالا و کم ظرفیتی دولت‌ها صحبت می‌کند به ما اصلا کمک نمی‌کند. این بازی همیشه جریان داشته است. ما میلیون‌ها دالر برای ظرفیت سازی مصرف کرده‌ایم اما هیچ نتیجه بخش نبوده است. مسئله مهم در کتاب "چرا ملت‌ها شکست می‌خورند" نوشته دارون اکیموگلو و جیمز رابینسون به خوبی توضیح داده شده است. استدلال آنها این است که مسئله مهم انتخاب نوعیت دولت است. اگر دولت مبتنی باشد بر سیاست انحصاری و اقتصاد انحصاری، باعث فقر و مصیبت در جامعه می‌شود و اگر انتخاب دولت مبتنی بر سیاست همه شمول باشد، این آغاز ایجاد جامعه‌ای است که می‌تواند ثروتمند و دیموکراتیک شود.

در پاسخ به مسئله دسته بندی اسلام می‌خواهم بگویم که اسلام یک اسلام است. اما از اسلام به شکل ابزاری استفاده‌های متنوع شده و می‌شود. در طول تاریخ آن کسی که اسلام را سیاسی می‌گوید خودش آنرا سیاسی می‌سازد. ما دو نوع استفاده از اسلام به حیث ابزار سیاسی داریم: آنهایی که اسلام را عقیده دارند و عقیده اسلامی شان سیاست شان را تعریف می‌کند. کسانی که دین اسلام را درست می‌فهمند و سیاست شان را تعریف می‌کند هیچ وقت نمی‌توانند دهشت افگن باشند. بخاطر اینکه اسلام اجازه نمی‌دهد. اما کسانی هستند که سیاست شان دین شان را تعیین و تعریف می‌کند. کسانی که خشونت و رادیکالیسم را پیش می‌برند، آنها دین و قرآن شان را سیاست شان تعریف می‌کند. آنها کسانی هستند که باعث بدبختی جامعه مسلمان در تمام جای شده‌اند.

جواب آقای عبدالله‌یف: نقطه نظر من این است که برای یک کشور بیش از آنکه داشتن جامعه لیبرال و دیموکراسی ضروری باشد، مهم است که یک دولت خوب داشته باشد. شما باید اولویت بندی کنید. شما باید اول یک دولت قوی داشته باشید و بعدا شاید بتوانید به نسخه‌های دیگر جامعه مدنی و دیموکراسی بیاندیشید.

نشست کاری دوم: بازی بزرگ جدید: کشورهای آسیای میانه: بازیگران یا ناظرین منفعل؟



گرداننده:

داکتر ولادمیر پارامانوف، رییس انستیتوت مطالعات اوراسیا ازبکستان

سخنرانان:

- داکتر عبدالله رهنما، پژوهشگر ارشد، مرکز مطالعات استراتژیک تحت نظر رییس جمهور - تاجیکستان
- اسکندر اکیلبایف، پژوهشگر ارشد انستیتوت مطالعات استراتژیک قزاقستان
- باتیر محمدوف، پژوهشگر، ترکمنستان
- ژنوس یرگالیف، مستشار سیاسی سفارت قزاقستان در کابل

در صحبت‌های مقدماتی، دکتر پاراموف در مورد رویکردهای اصلی کشورهای آسیای میانه در سیاست خارجی شان توضیح داد. به گفته ایشان، " رویکرد هر کشوری قسما مرتبط با نقش قدرت‌های خارجی در آسیای میانه می‌شود. (۱) ازبکستان: ازبکستان در قدم نخست علاقمند شکل دو جانبه روابط است. دوما این کشور اهمیت روزافزون به تقویت امنیت خودش با استفاده از منافع داخلی و خارجی می‌دهد. در بعد خارجی، ازبکستان غالبا متکی به امکانات نظامی روسیه، کمک چین، غرب در کل و برخی دیگر از کشورهای کوچک مثل کوریای جنوبی و جاپان است. سوم، ازبکستان در پی تطبیق استراتژی مانور و تعادل در میان قدرت‌های اصلی خارجی

است. ۲) قزاقستان: رویکرد قزاقستان به طور کلی معطوف به تعامل اقتصادی - سیاسی می‌شود؛ بخصوص با قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند چین، روسیه و کشورهای غربی که نقش مهمی در انکشاف بخش‌های استراتژیک اقتصاد قزاقستان (مانند نفت و گاز) دارند. دوما، سیاست مانور و حفظ تعادل میان قدرت‌های اصلی فرامنطقه‌ای - مانند مورد ازبکستان و دیگر کشورهای آسیای میانه. ۳) تاجیکستان: اول اینکه انزوای عمیق جغرافیایی و اقتصادی این کشور از سایر کشورهای آسیای میانه، عملاً این‌را که تاجیکستان فعالانه در روندهای منطقه‌ای سهم بگیرد ناممکن کرده است. دوما، جهت‌گیری تاجیکستان برای همکاری اقتصادی و سیاسی با کشورهای دوست خود مانند چین، روسیه و ایران باعث شده تا این کشور به طور منظم کمک‌های مالی و نظامی دریافت کند. سوم، تهدید بی‌ثباتی داخلی، رهبری تاجیکستان را وادار کرده تا اساساً بر مشکلات داخلی و کارخانگی خود متمرکز گردد. ۴) قرقیزستان: اول این که وضعیت بحرانی اجتماعی - اقتصادی این کشور، بی‌ثباتی سیاسی و تهدید از دست دادن یک پارچگی داخلی قرقیزستان را وادار ساخته تا بر همکاری با قدرت‌های مهم منطقه‌ای مانند روسیه، چین و غرب متمرکز شود. دوما، مناقشات روزافزون سیاسی در داخل این کشور، مانع از این شده که نخبگان قرقیز بتوانند برای ایجاد یک دیدگاه قسماً واحد در مورد انکشاف آینده کشورشان و تهیه سیاست خارجی یکپارچه اقدام کنند. سوم، گروه‌های سیاسی مختلف قرقیز به طور فعال در سیاست مانور و حفظ تعادل سهمیم هستند؛ نه تنها در میان قدرت‌های مهم فرامنطقه‌ای، بلکه حتی در میان کشورهای کمتر تاثیر گذار مانند ترکیه، عربستان سعودی و سازمان‌های بین‌المللی. ۵) ترکمنستان: رویکرد ترکمنستان عمدتاً متأثر از عوامل ذیل است؛ اول، ترکمنستان به طور انحصاری در پی شکل دو جانبه روابط است که نیاز و یا امکان سهم‌گیری فعال ترکمنستان در همکاری‌های چند جانبه را از بین می‌برد. دوم، سیاست خارجی ترکمنستان همچنان حالت تدافعی دارد تا از نفوذ خارجی به شمول کشورهای همسایه جلوگیری کند. و سوم، گرایش واضح ترکمنستان به همکاری با خریداران اصلی نفت؛ (خریداران اصلی نفت چین، در گذشته روسیه، و ایران هستند). " به گفته دکتر پاراموف، این رویکردهای کشورهای آسیای میانه سبب شده تا این کشورها در رابطه با وارد شدن به مذاکرات با دیگر بازیگران و برقراری روابط با قدرت‌های مهم موقف بسیار بی‌ثبات داشته باشند.

سخنران اول نشست کاری دوم، آقای دکتر رهنما درباره دیدگاه کشورهای آسیای میانه نسبت به افغانستان و بخصوص رویکرد سیاست خارجی تاجیکستان در مورد افغانستان صحبت کرد. "آسیای مرکزی و افغانستان در یک حوزه تاریخی و فرهنگی قرار دارند. ولی متأسفانه در دوران شوروی، آسیای مرکزی در یک مدت در یک حالت «قطع شده» از افغانستان قرار گرفت و در این مرحله یک تصور منفی در ذهن جوامع آسیای مرکزی در باره افغانستان جای گرفت. خصوصاً بعد از ورود ارتش شوری که تابوت‌های سربازان شوری از جمله سربازانی که از آسیای مرکزی بودند به خانه هر تاجیک و ازبیک و ترکمن می‌رفتند این تصور وحشت را درباره افغانستان افزایش داد. متأسفانه بعد از استقلال آسیای مرکزی هم افغانستان نتوانست همچون یک نمونه خوبی برای کشورهای آسیای مرکزی مطرح شود، زیرا دوره جنگ بین همدیگری گروه‌های مجاهدین، بعداً دوره طالبان و دوره عملیات ضد تروریستی بین‌المللی، یعنی یک جنگ مدام در افغانستان باعث شد که امروز هم برای کشورهای آسیای مرکزی وضعیت افغانستان همچون یک نمونه هشدار دهنده در ایدئولوژی سیاست استفاده شود. ولی یک بازنگری بسیار جدی که رخ داد این است که ما از آن تصور که افغانستان خطرناک است و یا منفی است بیرون شده‌ایم، بلکه امروز چنین برداشت می‌شود که افغانستان خود قربانی تروریسم است." به گفته او، اکنون این درک مشترک پیدا شده که تروریسم یک تهدید مشترک برای همه مردم منطقه است. اما او گفت اکنون آسیای میانه در مرزهای ملی کشورهایی که گرایش‌های استراتژیک متفاوت دارند، تقسیم شده است. بنا براین بهتر است که به جای گفتگو با آسیای میانه، گفتگوها در سطح کشورهای منطقه صورت بگیرد. به گفته آقای رهنما، آسیای میانه افغانستان را به چند دلیل زیر نظر دارد: " اول، جغرافیای بی‌ثباتی در افغانستان تغییر یافته است یعنی آن نبردها و ناآرامی‌ها که معمولاً در بخش جنوب افغانستان

بود حالا به شمال افغانستان انتقال یافته است و امروز گروه‌های مسلح تروریستی در پشت مرزهای کشورهای آسیای مرکزی و چین صف کشیده‌اند. دوم اینکه در صحنه این تغییرات بازیگر جدید بنام داعش پیدا شده است که از بسیار جهات نسل نو افراط‌گرایی را معرفی می‌سازد. این نسل نو افراط‌گرایی فقط تهدیدی به ساختار دولت‌ها نیست بلکه تهدید بر موجودیت و استقلالیت این کشورهاست. این نیروی نو می‌تواند گروه‌های خرد و افراط‌گرایی تاجیک و ازبیک و اویغور را متحد کند و این برای کشورهای آسیای مرکزی خطر بزرگ است. یعنی اگر نیروهای غرب از طریق این گروه‌ها به منافع روسیه و چین ضربه وارد کنند آنگاه آسیای مرکزی یک میدان و زمینی برای جنگ این‌ها تبدیل خواهد شد." او سخنرانی‌اش را با بیان اصول سیاست خارجی تاجیکستان در قبال افغانستان خاتمه داد. " اصل اول سیاست ما همسایگی واقع‌بینانه است. همسایگی واقع‌بینانه به این معناست که هم ارزش‌های مشترک و هم منافع مشترک را باید بوجود بیاوریم. دوم، حمایت بی‌چون و چرا از وحدت و استقلالیت افغانستان است. اصل سوم عبارت است از: خودداری از برخورد ایدئولوژی و قومی... اگر همسایه‌های دیگر هم همین سیاست را در پیش بگیرند و از دست‌گیری یک حزب، گروه، قوم دست کشیده و با افغانستان به عنوان یک دولت همکاری کنند بخشی از این بحران حل خواهد شد. همچنین نکته مهم در سیاست خارجی تاجیکستان احیای اقتصادی افغانستان است. افغانستان در نهایت شریک امنیتی و انرژی ما است و ثبات و رشد افغانستان جز منافع ملی تاجیکستان است."

سخنران دوم این نشست کاری، آقای دکتر اکیلبایف سخنرانی‌اش را زیر عنوان " روسیه و چین: باز اندیشی همکاری امنیتی در آسیای میانه " ارائه داد. او سخنان‌اش را با تذکر این نکته آغاز کرد که روسیه و چین هر دو در پی افزایش روابط دو جانبه بر اساس توافقنامه‌های امنیتی و مکانیزم‌های چند جانبه اند تا حضور ایالات متحده آمریکا را در منطقه محدود ساخته و مانع بازگشت احتمالی جنگجویان کارکشته به منطقه گردند. " در واقع، حمله جون ۲۰۱۶ در میدان هوایی اتاترک استانبول و حمله جنوری سال ۲۰۱۷ بر یک کلوب مشهور ترکیه، حاکی از این بودند که جنگجویان آسیای میانه در فعالیتهای تروریستی فرامرزی- بخصوص در ترکیه، فعال تر شده‌اند. برای کشورهای آسیای میانه، جلب و جذب جنگجویان به میدان جنگ و بازگشت احتمالی آنها به آسیای میانه تهدید جدی است. این روند را سیاست ویزای آزاد میان ترکیه و کشورهای منطقه تسهیل کرده است." او این نکته را یادآوری کرد که از نظر نخبه‌گان منطقه، افغانستان هنوز از زاویه بی‌ثباتی و خطر ملاحظه می‌شود. به گفته ایشان درحالی که دولت افغانستان ضعیف است، رقابت میان طالبان و داعش می‌تواند وضعیت را در این کشور بدتر سازد. او با مرور سه سناریوی احتمالی در چارچوب تغییرات منطقه‌ای، " مسئولیت پذیری همه شمول " را به عنوان بهترین راهکار برای تامین امنیت منطقه پیشنهاد کرد. " برای کشورهای آسیای میانه، یک تغییر در حالت فعلی که بنا بر آن چین جای روسیه را بگیرد، یک گزینه مطلوب نیست. همچنان مقوله " تقسیم وظیفه " مطالبات آسیای میانه را برآورده نمی‌سازد. بهتر آن است که یک " مسئولیت پذیری همه شمول " شکل بگیرد تا روسیه و چین نقش جامع‌تری در آسیای میانه بازی کنند. در این حال، جریان رو به رشد برای مصالحه میان سیاست‌های منطقه‌ای می‌تواند سبب تشویق همکاری‌های بیشتر در رابطه با امنیت منطقه‌ای گردد. نخبه‌گان آسیای میانه باید برای هر دو قدرت شرکای ضروری گردند. تحت یک رویکرد امنیت منطقه‌ای یکپارچه‌تر، تمام سهامداران آسیای میانه می‌توانند بصورت فعال موقف خودشان را در این طرح تعریف کرده و با روسیه و چین به شکل متعادل تعامل داشته باشند."

سخنرانی سوم این نشست کاری آقای محمدوف، در مورد روابط ترکمنستان و افغانستان سخنرانی کرد. به گفته او " ترکمنستان در روند تنظیم صلح آمیز وضعیت در افغانستان مشارکت دارد و از احیای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی افغانستان حمایت می‌کند. به طور مثال ما در زمینه صادرات برق و گاز خام به قیمت منصفانه، ساخت و ساز مجانی تاسیسات اجتماعی به شمول تاسیسات صحت

و تعلیمی، آموزش نسل جوان در موسسات تحصیلی ترکمنستان و فرستادن کمک‌های بشردوستانه به افغانستان به طور منظم کار کرده‌ایم. در سال‌های اخیر، ترکمنستان پیشنهادهای را برای به کارگیری و انکشاف ابزارهای سیاسی و دیپلماتیک برای تسریع روند با ثبات سازی اوضاع در افغانستان روی دست گرفته است؛ بخصوص از طریق آمادگی گرفتن تحت برنامه سازمان ملل متحد برای بازسازی اقتصاد این کشور و ابراز آمادگی برای تامین فضای سیاسی برای حمایت افغانستان. ترکمنستان همچنان برای ادغام افغانستان در اقتصاد بین‌المللی از طریق پروژه‌های بزرگ و منطقه‌ای در بخش‌های انرژی و حمل و نقل تلاش کرده است. تطبیق هر یک از این پروژه‌ها به احیای اقتصاد و زیربنای اجتماعی افغانستان مدد می‌رساند. مهمترین پروژه‌ها شامل ساخت پایپ لاین ترکمنستان-افغانستان- پاکستان و هند (تاپی) و ساخت خط آهن ترکمنستان، افغانستان و تاجیکستان می‌شود. بنا بر تحلیل‌های مستقل بین‌المللی، تطبیق عملی این پروژه بزرگ انرژی (تاپی) تامین بلند مدت گاز طبیعی ترکمنستان برای بزرگترین کشور آسیای جنوبی را در بر می‌گیرد. این نکته نیز قابل ذکر است که در اپریل ۲۰۱۷، پاکستان یک قرارداد به ارزش ۲۶ میلیارد دلار با چین امضا کرد که شامل ساخت پایپ‌لاین گاز ایران- پاکستان می‌شود. از جمله پروژه‌های مهم که منافع ملی را با انکشاف کشورهای همسایه و تمام منطقه آسیا پیوند زده، مرحله اول دهلیز حمل و نقل بین‌المللی ترکمنستان- افغانستان - تاجیکستان است. " آقای محمدوف، سخنان خود را چنین پایان داد که " همکاری اقتصادی در اولویت روابط ترکمنستان- افغانستان قرار دارد."

سخنران آخر این نشست آقای یارگلیف، بیانیه‌ای را از جانب سفیر قزاقستان در کابل قرائت کرد. این بیانیه به طور خلاصه بر حمایت دولت قزاقستان از حکومت افغانستان تاکید می‌کند. "وضعیت فعلی نظامی- سیاسی و اجتماعی- اقتصادی در جمهوری اسلامی افغانستان بنا بر شواهد موجود، نشانگر طیف گسترده‌ای از مشکلات امنیتی است: تروریزم بین‌المللی، افراط‌گرایی دینی، قاچاق مواد مخدر، مهاجرت غیرقانونی، قاچاق غیرقانونی اسلحه و قاچاق انسان... ما معتقدیم که تنها تلاش‌های مشترک در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند در جنگ علیه مواد مخدر که یکی از مهمترین منابع مالی تروریزم است، نتایج مثبت داشته باشد... در چارچوب پروسه استانبول کشورهای "قلب آسیا"، ما بخشی از گروه اعتماد سازی برای مسئله مبارزه با مواد مخدر هستیم. باثبات سازی سریع افغانستان بسیار مهم است و از بسیاری جهات وابسته به روند استقرار صلح آمیز است. در این بستر، ابتکار جدید "پروسه کابل"، اقدامی به موقع و ضروری می‌نماید... بنا به قول کارشناسان، دلیل اصلی رکود اقتصاد افغانستان ناامنی است... حکومت وحدت ملی پروژه‌های زیربنایی فرامرزی را دنبال می‌کند (به شمول تاپی و کاسا یک هزار) که باعث جلب سرمایه خارجی و پیشنهادات بین‌المللی در بخش انرژی، معدن، حمل و نقل و ارتباطات می‌گردد... در بستر تقویت انکشاف اجتماعی- اقتصادی افغانستان، مهم است که کسب و کار منطقه‌ای و بین‌المللی در تطبیق پروژه‌های مشخص در افغانستان دخیل باشد. این می‌تواند به خودکفایی اقتصادی و استقلال بیانجامد و ظرفیت حمل و نقل موجود در این کشور را که "قلب منطقه" است، به فعلیت برساند. جمهوری قزاقستان به سهم خود برای همکاری در بخش حمل و نقل و تدارکات محموله‌های تجاری، انرژی و ساخت سرک‌ها، خطوط قطار و منابع معدنی آماده است. ما یک هزار دانشجوی افغان را تحت برنامه دولتی جمهوری قزاقستان برای افغانستان به طور مجانی آموزش داده‌ایم و به طور سالانه به ارزش صدها هزار دلار امریکایی کمک‌های بشردوستانه خود را به قشر نیازمند جامعه افغانستان رسانده‌ایم. جمهوری‌های آسیای میانه می‌توانند در ساخت جاده‌ها و خطوط قطار در امتداد این مسیرها وصل شوند: تورغندی (در مرز ترکمنستان)- هرات؛ مزار شریف- شبرغان - میمنه- قلعه‌نو - هرات. مسیر دوم ولایت‌های شمال غرب افغانستان را متصل می‌سازد: بلخ، جوزجان، فاریاب، بادغیس و هرات. این می‌تواند محصولات زراعتی را به بازارهای بین‌المللی صادر کند. این پروژه‌ها در مجموع می‌تواند برای انکشاف شمال، شمال غرب و بخش‌های غربی افغانستان یک محرک باشد و شرایط مورد نیاز برای حل سیاسی مشکلات موجود را تامین کند و سبب تقویت امنیت گردد. علی‌رغم تهدیدات تروریستی مداوم، ضروری است تا به افغانستان کمک شود تا تصور منفی موجود درباره

این کشور به حیث یک تهدید و مانع در همکاری منطقه‌ای تغییر کند و افغانستان به عنوان یک شریک جذاب برای پروژه‌های مشترک، اشتغال‌زایی و تقویت ارتباطات و تجارت نگریده شود. مهم است که با تطبیق پروژه‌های تجاری، سرمایه‌گذاری و حمل و نقل افغانستان به پیوستگی اقتصادی دست یابد. همه این موارد به انکشاف این کشور و استقرار صلح و ثباتی که بسیار انتظار برده شده است، کمک می‌کند."

پرسش‌ها و اظهار نظرها:

اظهار نظر اول: من فکر می‌کنم که نگرانی از داعش در منطقه ما یک نگرانی مشروع است. اما این نگرانی مشروع را نمی‌شود با تئوری توطئه جواب داد. در مورد داعش در افغانستان ما دچار اضافه پنداری و اضافه‌گویی از دو آدرس هستیم: هم از آدرس حکومت افغانستان و هم آدرس کشورهای منطقه- به ویژه کشورهای که متاثر از روس‌ها می‌باشد. در حالی که هیچ کس اطلاعات دقیق در مورد تعداد نیروهای داعش در منطقه ندارد. این ترس یا اضافه‌گویی این فرصت را فراهم کرده یا ابزاری شده برای مداخله در امور افغانستان به خصوص در شمال افغانستان. من به اطلاعاتی دسترسی دارم که حتما نام فرماندهانی را برای شما بگیرم که پیوسته مورد عنایت سلاح‌های روسی قرار می‌گیرند. چیزی که می‌خواهم به آن اشاره بکنم این است که تهدید اصلی در منطقه ما داعش و طالب نیست، تهدید اصلی در منطقه ما بحران ایدئولوژیک است که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی منطقه ما که شامل افغانستان و آسیای میانه می‌شود با آن رو به‌رو است. جز اینکه ما به یک راه‌حل منطقه‌ای برسیم راه‌حل دیگری دیده نمی‌شود.

اظهار نظر دوم: ما نباید از همدیگر ترسی داشته باشیم. چون افغانستان منبع تروریسم نیست. این دیگر برای ما افغان‌ها ترس ایجاد نمی‌سازد که این شخص از کدام کشور است بلکه ترس بیشتر این است که از کجا تربیت می‌شود. ما باید به سراغ کشوری برویم که صادرکننده تروریسم است.

سوال: تا چه اندازه روسیه و چین مسئول این ناامنی در منطقه هستند؟ چرا که هر دو کشور از افغانستان به حیث یک بهانه برای بی‌ثبات‌سازی منطقه استفاده می‌کنند. سیاست‌های آنها که باعث ناامنی شده از قبیل سیاست‌های روسیه به جانب جمعیت مسلمان روسیه و سیاست‌های چین به جانب اویغورهای چین است. تا زمانی که آنها مشکلات شان را به طور صلح آمیز و دیموکراتیک حل نکنند، من فکر می‌کنم آنها مسبب اصلی ناامنی در منطقه می‌باشند.

جواب دکتر رهنما: من موافقم که در رابطه با داعش در منطقه یک نوع تئوری توطئه در این زمینه وجود دارد. ولی ببیند ما در مرکز سیاست خارجی از روی این تئوری‌ها بحث نمی‌کنیم بلکه می‌بینیم که در دو سال اخیر شهر قندوز ناآرام شد، ولایت تخار ناآرام شد و بدخشان ناآرام شد. من می‌گویم که اگر همین گروه‌ها در نبرد کلان جیوپلیتیک استفاده شوند آن وقت خطر آن بسیار بزرگ است. دوم، اینکه من قبول دارم که تروریست‌ها به ملت خاصی تعلق ندارند. تروریست همچون یک ماشین است، حالا پاسپورت او تاجیکستانی، ازبکستانی یا افغانی باشد مهم نیست. مهم این است که او ابزار دست بازیگران قرار گرفته است.

جواب دکتر اکیلبایف: در مورد نقش چین و روسیه، من فکر می‌کنم وقتی صحبت از قدرت‌های بزرگ می‌شود، آنها یقیناً اجندای خود را برای منطقه دارند. من فکر می‌کنم گفتن این نکته ضرور است که اگرچه آنها سیاست‌های مختلف دارند و با هم رقابت می‌کنند، آنها همزمان مکانیزم‌های ویژه‌ای را برای همکاری دارند که آنها را کمک می‌کند بیشتر از اختلافات توافقات داشته باشند. من فکر می‌کنم درست تر این است که ما به جای سخن گفتن از بازی‌های بزرگ، از بازی‌های کوچک صحبت کنیم. منظور قدرت‌های متوسط مانند ترکیه، ایران، عربستان سعودی و پاکستان است که تلاش می‌کنند وضع موجود را تغییر داده و مانند یک بازیگر بزرگ عمل

کنند. این کشورها عموماً دارای رفتار احساساتی و جاه طلبانه می‌باشند و قواعدی که قدرت‌های بزرگ دارند را نیز ندارند. از سوی دیگر من با این موافقم که ما نباید یک کشور را به عنوان منبع یک چیز بد معرفی کنیم. برای همکاری افغانستان و آسیای میانه فرصت‌های زیادی وجود دارد. اگر از واقعیت صحبت کنیم، امسال جمعیت آسیای میانه می‌رود که از مرز ۷۰ میلیارد تن بگذارد و نیمی از آنها را نسل جوان تشکیل می‌دهند. تقریباً ۳۵ فیصد از این جمعیت از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. من فکر می‌کنم امروزه تعامل میان مردمان کشورها بسیار آسانتر شده است.

گرداننده این نشست کاری، دکتر پاراموف، نشست را با ارائه دو پیشنهاد به پایان رسانید. (۱) سیاست دقیق همیشه مبتنی بر تحقیق است. ما نیاز داریم در مورد روابط افغانستان و آسیای میانه تحقیقات بیشتر انجام دهیم. متأسفانه کار اندک در این زمینه صورت گرفته است. (۲) خوب است که در گفتگوها و کنفرانس‌ها، هم مردمان منطقه و هم مردم بیرون از منطقه اشتراک داشته باشد تا نشست‌های ما جامع‌تر باشد.

نشست کاری سوم: قدرت‌های خارجی: قواعد بازی



گرداننده:

خانم عادلہ راز، معین اقتصادی، وزارت امور خارجه افغانستان

سخنرانان:

- جلالتمآب سفیر سید رسول موسوی، مشاور وزارت امور خارجه ایران
- بشرا گوهر، معاون حزب ملی عوامی پاکستان
- داکتر رون زونگری، معاون انستیتوت مطالعات بینالمللی چین

- داکتر ولادیمیر بایکو، رییس انستیتوت مطالعات آسیایی روسیه
- استیفان تنکل، پژوهشگر ارشد، مرکز مطالعات امنیتی امریکای نوین، امریکا

در صحبت‌های مقدماتی اش، خانم راز تروریزم و ناامنی را دومشکل عمده زمان نامید. اما او تاکید کرد که در پهلوی مشکلات مشترک، فرصت‌های مشترک نیز وجود دارند که باید به آنها توجه شود. او گفت با در نظر داشت به هم پیوستگی همه کشورها در دوران حاضر، نیاز است تا تهدیدهای مشترک و فرصت‌های مشترک به طور همزمان مورد توجه قرار گیرد. " پدیده جهانی شدن در حال وقوع است و ما با آن مواجه هستیم. من فکر می‌کنم ما باید از آن استفاده کنیم."

سخنران نخست این نشست کاری آقای دکتر بویکو سخنرانی اش را زیر عنوان " عامل مرز زمینی و سیاست‌های روسیه در افغانستان در نیمه دوم سال ۲۰۱۰" ارائه کرد. بنا به گفته ایشان، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و سپس مداخله نظامی ائتلاف بین‌المللی به رهبری امریکا در افغانستان، روسیه به حیث همسایه درجه دوم افغانستان، به همکاری خود با افغانستان در ظرفیت متفاوت ادامه داده است. او رویکرد انحصار گرایانه غرب به جانب افغانستان را مانع شکل‌گیری روابط بهتر میان بازیگران منطقه‌ای دانست. " شبکه انتقال شمال در اوایل ۲۰۱۰، یک مثال برجسته رویکرد عملگرایانه روسیه به جانب مشکل افغانستان بود که متأسفانه رویکرد انحصارگرایانه غرب باعث شد مدت کوتاهی دوام کند. در اواسط ۲۰۱۰ و پس از آن، روسیه سیاست جامع‌تر و جنجال برانگیزتری را در رابطه با افغانستان دنبال کرده است: روسیه به روابط دو جانبه به عنوان زمینه همکاری که می‌تواند در امتداد رویکرد ایالات متحده امریکا، هند و دیگران به اتحاد استراتژیک بیانجامد نگاه کرده است. این روابط بیشتر در قالب همکاری تعلیم کادرهای تخنیکی - نظامی بوده است، در حالی که جغرافیای سیاسی افغانستان زیر حمایت و کنترل شدید امریکایی‌ها و غربی‌ها بوده است." آقای بویکو گفت که مشکلاتی که امروزه جبهه غرب با آن سردچار است (به شمول بحران مهاجرت، گسست‌ها میان ائتلاف‌های غربی و نخبه‌گان، محدودیت دانش ملی/ بین‌المللی برای حل بحران افغانستان و همانند آن) برای فعالیت روسیه فضای بیشتر مهیا کرده است. از نظر او مرز زمینی میان افغانستان و روسیه از طریق کشورهای آسیای میانه مهمترین زمینه برای همکاری بیشتر و بهتر است. " در واقع نقش روسیه در افغانستان باید در چارچوب و بستر وضعیت جنئوپولیتیک جدید (گسترش سازمان همکاری شانگهای، پویایی روابط روسیه- ترکیه، موانع و فرصت‌ها در تفاهم روسیه - ایالات متحده امریکا و غیره) در نظر گرفته شده و قبول گردد. اما در هر شرایط، نقش روسیه باید به طور جامع‌تر در پیوستگی جغرافیایی، فرهنگی، یکسانی مردمی و مخصوصاً با در نظر داشت اهمیت نقش مرزهای زمینی (در امتداد مرزهای شمالی افغانستان - تاجیکستان و آسیای مرکزی ترکی، و مرزهای قزاقستان- روسیه و چین) که با تهدیدهای فراوان مواجه است- مسیرهای قاچاق موارد مخدر افغانستان، مهاجرت غیر قانونی، قاچاق و غیره تهدیدها- درک شود. همزمان این مرزهای زمینی می‌تواند به عنوان دروازه‌های انکشاف، اولویت‌های زیربنایی و خطوط تلاقی تمدنی نقش داشته باشند. این کمان مرزهای زمینی از خیبرپشتون‌خواه گرفته تا آلتای روسیه باید به حیث مسیرهای اصلی همکاری روسیه و افغانستان در پیشرفت پروژه یک جاده و یک کمربند و دیگر طرح‌های ادغام یوروآسیا عمل کند. او سخنرانی اش را چنین پایان داد که " جامعه بین‌المللی به شمول اعضای غربی اش و افغانستان نباید از تاکتیک‌ها و حتی استراتژی‌های روسیه هراس داشته باشند زیرا الهام گرفته از نگرانی‌های امنیتی روسیه و منافع افغانستان و همسایه‌گانش می‌باشد."

سخنران دوم این نشست کاری، خانم گوهر سخنرانی اش را با تاکید بر این واقعیت که افغانستان و منطقه با وضعیت پیچیده سر دچارند آغاز کرد. او با مرور تاریخ مناقشه بار افغانستان معاصر اظهار داشت که "افغانستان بیشتر از دست بازیگران خارجی که همگی

ادعای دوستی با افغانستان و حمایت از یک روند صلح به رهبری افغانستان را داشتند، رنج برده است. " خانم گوهر گفت که دیگر کشورها به شمول پاکستان افغانستان را از طریق رقابت‌هایشان با یکدیگر دیده اند و این رویکرد مانع روابط معنادار با کشور و دولت افغانستان شده است. به گفته ایشان، " وضعیت با جنگ‌های نیابتی یا آنچه موسوم به بازی‌های بزرگ است، بدتر شده است؛ استفاده از نیروهای نیابتی به عنوان ابزار سیاست خارجی و دفاعی باعث بوجود آمدن گسست اعتماد میان بازیگران خارجی کلیدی شده است. میزان منافع، قدرت و تاثیر بازیگران خارجی از یک زمان تا زمان دیگر تغییر کرده است. " او با تائید نگرانی‌های آقای امرالله صالح در مورد پاکستان تاکید کرد که ما باید چارچوب نگرانی‌های خود را نسبت به همه بازیگران ترسیم کنیم تا از نقطه نظر آنها مطلع شویم. به گفته ایشان، از تمرکز بر طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی باید کاسته شود و نباید آنها را به عنوان سهامداران کلیدی روند صلح به رسمیت شناخت. پاکستان باید سیاست اش برای کنترل افغانستان از طریق طالبان و دیگر نیروهای نیابتی را متوقف کند و افغانستان را به حیث یک کشور مستقل به رسمیت بشناسد. " کاری که پاکستان می‌تواند انجام دهد این است که از چهاردهه سیاست تخریب‌گر خود در رابطه با افغانستان دست بردارد و تا زمانی که پاکستان این کار را نکند، شکل‌گیری روابط معنادار میان افغانستان و پاکستان بسیار دشوار خواهد بود. بهبود روابط تنها وقتی ممکن خواهد بود که پاکستان از تلاش برای کنترل افغانستان از طریق طالبان و عوامل نیابتی خود دست بردارد. " خانم گوهر سخنان اش را چنین جمع بندی کرد که " ما باید از روابط امنیت محور به روابط مردم محور تغییر مسیر بدهیم تا از تجربیات یکدیگر منتفع شویم. در واقع رنج پاکستان بسیار متفاوت از آنچه افغانستان را رنج می‌دهد نیست. افغانستان باید در روند صلح رهبری را به دست گیرد. "

سخنران سوم این نشست کاری آقای موسوی سخنرانی اش را با تاکید بر این نکته آغاز کرد که " آنچه اصطلاحاً منطقه نامید می‌شود بیشتر از آنکه یک مفهوم جغرافیایی داشته باشد یک مفهوم ساختگی است. ما باید منطقه خود را تعریف کنیم تا بدانیم که از چه حرف می‌زنیم. " به گفته ایشان در دنیای امروز رقابت‌های جیواکونومیک جایگزین رقابت‌های جیوپلیتیکی شده است و همه کشورها باید استراتژی خود را مطابق همین تعریف کنند. او تاکید کرد که کشورهای منطقه مشترکات تاریخی و فرهنگی دارند، بنابراین آنها برای پیشرفت و ترقی باید برنامه خاص خود را ترسیم کنند. آقای موسوی تذکر داد که افغانستان سه مشکل مهم دارد که باید به حیث یک کل به آنها بپردازد. " من معتقدم افغانستان سه تا مشکل اساسی دارد: ثبات، امنیت و توسعه. " به نظر او دولت‌های قبلی افغانستان این مشکلات را به عنوان یک کل در نظر نگرفتند و به همین خاطر سقوط کردند. به گفته ایشان، روند بن، تنها چارچوبی بود که برای پرداختن به هر سه این مشکلات طراحی شد، اما نقش کشورهای منطقه به تدریج به فراموشی سپرده شد. آقای موسوی سخنان خود را چنین پایان داد که " ثبات افغانستان مسئله ای صد درصد متعلق به خود افغانستان است. صادقانه دارم عرض می‌کنم که امنیت افغانستان از طریق نیروهای نظامی خارجی سال‌ها هم طول بکشد تأمین نمی‌شود. امنیت افغانستان باید یک چهارچوبی پیدا بکند، تعریفی پیدا بکند، در یک سلسله گفتگوهای منطقه‌ای راه‌حل خودش را پیدا بکند. ما یک سیمناری دو ماه بعد در ایران خواهیم داشت به عنوان افغانستان سرزمینی برای همکاری‌های منطقه‌ای که امیدوارم همه شما در آن شرکت کنید. "

سخنران چهارم این نشست کاری آقای تنکل، درمورد چهار موضوع مهم برای افغانستان و منطقه سخنرانی کرد که عبارت اند از دیدگاه‌های متفاوت در مورد همکاری منطقه‌ای در افغانستان، دیدگاه امریکا درمورد رقابت‌های جنوپالیتیک، راه‌های مقابله با تروریسم و راهکارها برای تامین بهتر ثبات و امنیت. " ایالات متحده امریکا مانند دیگر کشورها خواهان دیدن یک افغانستان با ثبات است که با همسایه‌گان در صلح به سر می‌برد. مسئله این است که بسیاری از کشورهای همسایه در مورد زمینه سازی ثبات در افغانستان اختلاف نظر دارند و راهکارهای رسیدن به این هدف را دیگرگونه تعریف می‌کنند. آقای تنکل تاکید کرد که ایالات متحده امریکا

افغانستان را یک شریک مهم می‌داند. " افغانستان تبدیل به یک شریک بسیار مهم برای ایالات متحده امریکا شده است و یک علاقمندی برای حفظ و انکشاف دادن این روابط وجود دارد تا افغانستان به شریک اصلی منطقه تبدیل شود. البته بحث‌هایی درمورد اینکه مصارف دوام رابطه امریکا با افغانستان چگونه تامین می‌شود وجود دارد. اما این واقعیت به طور گسترده پذیرفته شده که افغانستان به شریک مهمی برای امریکا تبدیل شده است؛ این واقعیت در کنفرانس متحدان غیر ناتو تمثیل شد. او نگرانی‌ها از حضور نظامی ایالات متحده امریکا در افغانستان را رد کرد. " حضور نظامی ایالات متحده امریکا و ناتو در اینجا یک ابزار برای رسیدن به یک هدف است؛ برای تامین برخی ملحوظات امنیتی و فراهم کردن فضای لازم برای حل مسایل به نحوی که افغانستان ترقی کند و فرصت و امکان کافی برای رشد اقتصادی و بهبود حکومت‌داری داشته باشد. اما همچنان این نگرانی مد نظر قرار داد که حضور بلند مدت می‌تواند برای خودکفایی افغانستان مشکلاتی خلق کند. " در رابطه با رقابت جنوپولیتیکی در منطقه، او از پاکستان به عنوان عامل مهم یادآوری کرد اما تاکید نمود که پایان دادن به حمایت پاکستان از گروه‌های مسلح مانند طالبان و شبکه حقانی کار آسان نیست. او گفت ایالات متحده امریکا برای همکاری با دیگر بازیگران منطقه در چارچوب برنامه مبارزه با تروریسم آماده است. " ایالات متحده امریکا خواهان همکاری با چین است تا اینجا توازن به وجود آید. روسیه و ایران مسئله پیچیده تری دارند. ما قبول داریم که بخشی از روابط آنها با طالبان ناشی از نگرانی آنها از داعش است. اما این سوال باید پاسخ داده شود که این روابط چگونه در چارچوب برنامه ضد تروریسم می‌گنجد. " او در جمع بندی صحبت‌های خود پیشنهادات ذیل را ارائه کرد: " اول) هر چند حرف ما بر سر بازیگران خارجی است، ولی بخش اعظم کار باید در داخل افغانستان صورت بگیرد؛ در رابطه با حکومت‌داری، انکشاف اقتصادی، حاکمیت قانون و غیره. (۲) در مورد بازیگران خارجی، شریک سازی اطلاعات در زمینه گروه‌هایی مانند داعش ضروری است. کشورهای ایالات متحده امریکا و چین برای ایفای نقش جهت تعیین مکانیزم‌های همکاری میان کشورهای دیگر مانند افغانستان و پاکستان در وضعیت بهتری هستند. اما نقش آنها محدود خواهد بود. بالاخره پیوستگی اقتصادی و گفتگوها و تبادله نظرها مانند آنچه اینجا اتفاق می‌افتد بسیار اهمیت دارند تا ما دیدگاه‌ها و تصورات یکدیگر را بهتر بشناسیم. "

سخنران آخر این نشست کاری، آقای دکتر زونگ، در سخنرانی‌اش به سه ملاحظه پیرامون آسیای میانه و افغانستان در بستر جهانی اشاره کرد. به گفته او در ابتدا ما باید جریان‌های تغییرات جهانی را مد نظر داشته باشیم. " ملاحظه اول: بیست و هفت سال پیش، روایت بسیار شناخته شده‌ای تحت عنوان پایان تاریخ وجود داشت. مردم در غرب سقوط اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد را جشن می‌گرفتند. اکنون پایان تاریخ خودش به پایان رسیده است. در عوض عده زیادتری از مردم درمورد واقعیت و نظم و نظام متفاوت از گذشته صحبت می‌کنند. تصور کنید که دنیا در بیست و هفت سال آینده چگونه خواهد بود. چین یقیناً به اقتصاد شماره یک جهان تبدیل خواهد شد و آسیا به مهمترین مرکز ثقل اقتصاد جهان مبدل می‌شود. ملاحظه دوم: در گذشته آسیای میانه یکپارچه بود و پس از پایان جنگ سرد ما شاهد تکه پارچه شدن آسیای میانه بودیم. اکنون زمان آن رسیده که آسیای میانه بنا بر دو واقعیت بسیار مهم یکپارچه شود: اول اینکه جهانی شدن یک روند غیر قابل توقف است و پدیده دوم پیوستگی است. این پیوستگی به اتفاق روندهای جهانی شدن و منطقه‌ای شدن، واقعا آسیای میانه را تغییر خواهد داد. بخاطر جهانی شدن، جغرافیا اهمیت کمتر پیدا می‌کند. ملاحظه سوم: نقش چین در این میان چیست؟ من فکر می‌کنم ما با دو چالش بسیار جدی روبرو هستیم: یکی ثبات است و دیگری انکشاف. این دو چالش به هم گره خورده است؛ بدون ثبات انکشافی در کار نخواهد بود و انکشاف ضروری است تا ما بتوانیم با هرگونه عامل بی‌ثباتی مقابله کنیم. " به گفته ایشان، برای پیشبرد انکشاف و تقویت ثبات به طور همزمان " چین پیشنهاد یک جاده و یک کمربند را مطرح کرد و این ابتکار فرصت‌های بیشتر برای انکشاف و رشد اقتصادی خلق می‌کند. چین می‌خواهد آسیای

شرقی را با اروپا وصل کند. این می‌تواند فرصت‌های بیشتری برای آسیای میانه و تمام جنوب آسیا بوجود آورد." آقای زونگ سخنرانی‌اش را با تاکید بر آمادگی چین برای همکاری با افغانستان و کشورهای منطقه جهت مبارزه با تروریسم پایان داد.

پرسش‌ها و اظهار نظرها:

سوال اول: خانم گوهر! دو دولت افغانستان و پاکستان برای اعتماد سازی چه کار باید بکنند؟

سوال دوم: خانم گوهر! وقتی صحبت از به توافق رسیدن افغانستان و پاکستان می‌شود، نظر شما در مورد جانب افغانستان چیست؟ مطالبات پاکستان از افغانستان برای رسیدن به تفاهم چیست؟

سوال سوم: خانم گوهر! ما تلاش کرده‌ایم همکاری اقتصادی خود را با پاکستان بهبود ببخشیم. اما متأسفانه ناکام شده‌ایم و اکنون نرخ تجارت ما با پاکستان به طور قابل ملاحظه کاهش یافته و روی تجارت با آسیای میانه هم تأثیر منفی گذاشته است. من فکر می‌کنم دو حکومت جداگانه در پاکستان وجود دارد؛ یک حکومت همکاری سازنده دارد و حکومت دیگر تخریب‌گر است. در افغانستان ما طرفدار همکاری خوب منطقه‌ای هستیم. در رابطه با تجارت ما با پاکستان از جانب افغانستان هیچ مانع وجود ندارد اما لاری‌های مان در بیرون کراچی متوقف مانده‌اند و تجار ما نمی‌توانند از پاکستان منفعت برابر به دست آورند. شما چگونه این رویکرد دوگانه را توضیح می‌دهید؟

سوال چهارم: آیا ما همه قواعد بازی را قبول داریم؟ آیا توافق یا امکان دست یافتن به یک تفاهم در میان همسایه‌گان افغانستان و کشورهای فرامنطقه درباره چگونه برخورد کردن با تروریسم وجود دارد و چه کسی باید این جریان را رهبری کند؟ در گذشته امریکا نقش رهبری کننده را برعهده داشت. آیا احتمال تغییر در این الگو وجود دارد تا قدرت‌های منطقه‌ای این نقش را به عهده بگیرند؟

اظهار نظر: آقای سفیر! من فکر نمی‌کنم این منطقه قدرت تعیین سرنوشت خود را داشته باشد؛ بنا براین سوال این است که چگونه ما می‌توانیم در چارچوب فعلی که توسط قدرت‌های بزرگ تعیین شده است، برای هم‌زیستی بهتر و همکاری بیشتر تلاش کنیم.

پاسخ خانم گوهر: پیش از هر چیز شامل کردن زنان در روندهای صلح اهمیت دارد. ما نیاز داریم هر جای که می‌توانیم، نقش خودمان را ایفا کنیم. ما در پل زدن میان اسلام آباد و کابل نقش مهم داریم. این نقش باید توسط رهبران سیاسی در افغانستان و پاکستان ایفا گردد. افغانستان به پیش رفته است و گفتن اینکه افغانستان فقط از سوی نیروهای خارجی اداره می‌شود غلط است. در داخل پاکستان ما این سیاست‌ها را زیر سوال برده ایم و این یک قدم به پیش است. به نظر من همین روند زیر پرسش گرفتن مهم است. ما این کار را در پارلمان و بیرون آن انجام داده ایم. اما نیاز به تلاش فراوان از سوی رهبران سیاسی دو کشور وجود دارد. ما باید به پیش برویم. صلح و انکشاف بسیار مهمتر از آن است که به جنرال‌ها واگذار گردد. ما نمی‌توانیم این مسایل را به ارتش و بوروکراسی ملکی واگذار کنیم. ما باید مسئولیت بگیریم. نمایندگان مردم باید در این رابطه مسئولیت بگیرند.

پاسخ سید رسول موسوی: در پاسخ به این دیدگاه که ما برای تعریف منطقه خودمان قدرت کافی نداریم، من اصلاً معتقد به سیاست واقع‌گرایانه نیستم. قبول دارم که باید واقعیت‌ها را ببینیم، ولی همزمان باید واقعیت‌ها را بگونه دیگر دیدن سخت است. ما باید به فرهنگ و تمدن خود مان مراجعه بکنیم. من معتقدم که اگر همسایگان افغانستان به این جمع بندی برسند که تهدیدی از درون افغانستان به سمت شان نمی‌آید، قطعاً وضعیت باثباتی خواهیم داشت. تروریسم را اول یک تعریف درست و حسابی بکنید، واقعا همه می‌خواهند با تروریسم مبارزه بکنیم ولی متأسفانه مشکل این است که تروریسم خوب نداریم و تروریسم بد داریم. و تا زمانی که

تروریسم خوب و بد داریم مشکل پابرجا خواهد ماند. امیدواریم افغانستان با ما همکاری بکند، تا هرچه تروریسم بد داریم بتوانیم از بین ببریم و تروریسم خوب را از قاموس و فرهنگ و ادبیات خود مان حذف بکنیم برای اینکه تروریسم خوب اصلاً وجود ندارد.

پاسخ آقای تنکل: در پاسخ به این سوال که آیا همه ما در یک چارچوب هستیم، من فکر می‌کنم که جواب واضح این است که نخیر. من فکر می‌کنم همه ما علاقمند نزدیک شدن به فهم قواعد بازی هستیم. اما من در مورد توانایی مان برای مدیریت وضعیت شک دارم. در مورد مسئله تعریف واحد از تروریسم، من فکر نمی‌کنم همگان تعریف واحدی از تروریسم داشته باشند. بخاطر اینکه هیچ تعریف پذیرفته شده وجود ندارد. من مخالف این مفکوره ام که تروریسم خوب وجود دارد و تروریسم بد. به نظر من ما می‌توانیم به روابط متفاوتی که کشورها با گروه‌های تروریستی فعال در منطقه دارند توجه کنیم. در یکسو روابط همیاری میان پاکستان و طالبان و شبکه حقانی وجود دارد. روابط افغانستان و ایالات متحده امریکا با این گروه‌ها خصمانه است. ما با آنها می‌جنگیم. اما بیشتر روابط سردرگم است؛ تا یک اندازه ایران و روسیه چنین روابطی با طالبان دارند. در این گونه روابط رقابت وجود دارد، بالقوه گی برای همکاری وجود دارد و این روابط بسیار پیچیده است. آیا ما می‌توانیم در شناخت این روابط و نیروهای پشت سر آن بهتر عمل کنیم؟ بلی. آیا می‌توانیم به طور کلی بر شکاف‌ها پل بزنیم؟ نخیر. بخاطر اینکه مسئله فقط مربوط به کسانی که از خشونت کار می‌گیرند نمی‌شود. این خشونت سیاسی است و کسانی که با طالبان و داعش همکاری دارند، بخاطر دلایل سیاسی این کار را می‌کنند. ما همه می‌توانیم در مورد نیت خوب خود برای صلح افغانستان حرف بزنیم. اما ما در مورد اینکه صلح افغانستان چگونه باید باشد، اختلاف نظر داریم. ما روش‌های متفاوتی برای رسیدن به صلح داریم، ما منافع متفاوتی داریم که گاهی با یکدیگر در تضاد قرار می‌گیرند. من می‌خواهم جواب خوشبینانه تری بدهم. اما جوابی که اهمیت گفتگو و همکاری را نادیده نگیرد این است که ما باید در پی مکانیزم‌هایی برای شریک سازی اطلاعات و کمتر کردن بی اعتمادی و سوء تفاهات باشیم. همه این‌ها یقیناً ضروری است. نظر من این است که ما باید فاصله‌ها را کم کنیم و در همکاری خود بهبود آوریم. ما باید در پی نتیجه گیری بهتر از همکاری‌های میان خودمان باشیم به جای آنکه هدف ما این باشد که همه ما در یک صفحه قرار بگیریم.

نشست کاری چهارم: افغانستان: از بازی بزرگ تا تفاهم بزرگ



گرداننده:

داکتر عبدالغفور لیوال، سرپرست وزیر امور قباایل جمهوری افغانستان و استاد دانشگاه

سخنرانان:

- فوزیه کوفی، عضو پارلمان - افغانستان
- داکتر کرستین فییر، استاد دانشگاه جورج تاون، آمریکا
- داکتر حبیبه سراپی، معاون، شورای عالی صلح افغانستان

آقای لیوال در معرفی موضوع نشست کاری چهارم به ابعاد گوناگون جنگ در افغانستان و مسئله جنگ نیابتی اشاره کرد: "جنگی که در افغانستان جریان دارد به نوعی تداوم جنگ سرد است که در سه حلقه می‌تواند مطالعه شود. حلقه بین‌المللی، حلقه منطقه‌ای و حلقه داخلی." او با تأیید صحبت‌های دکتر موسوی اظهار داشت که "افغانستان حلقه وصل سه حوزه آسیای مرکزی، جنوب آسیا و شرق میانه است. بنا براین تا صلح در افغانستان تامین نشود، هر سه منطقه با بحران روبرو خواهد بود." به گفته ایشان "تمام طرف‌هایی که درگیر جنگ نیابتی در افغانستان هستند و یا متهم هستند به اینکه به نیابت شان کسی در افغانستان می‌جنگد، در مجموع و در اجماع می‌پذیرند که افغانستان قربانی جنگ نیابتی است. اما اگر انفرادی با آنها روبرو شوید و بگویید که یکی از جهت‌های جنگ نیابتی را شما رهبری می‌کنید این را به شدت رد می‌کنند. مسئله دیگر این است که وقتی ملت‌ها درگیر جنگ نیابتی می‌شوند، به حیث قربانی جنگ بیشتر از پیش برندگان جنگ نیابتی مقصر هستند. در دورانی که ارزش‌های عاطفی و اخلاقی در تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح نیست، ما هم باید واقعیت نگر بوده و فقط در پی منافع خودمان باشیم. ما باید خودمان را به بازیگران تبدیل نکنیم. تفاهم بزرگ از کجا آغاز می‌شود؟ ما به حیث یک ملت اول باید تشخیص بدهیم که قدرت‌های بزرگ در منطقه در پی چی هستند و ما چطور می‌توانیم منافع خود را با آنها منطبق و موازی بسازیم. ما به یک گفتمان نیاز داریم و این گفتمان را از یک موضع قوی باید آغاز کنیم و به عوض اینکه علیه حضور آنها در منطقه بجنگیم باید با آنها تفاهم کنیم که ما در تامین منافع منطقه‌ای شما با شما همکار هستیم به شرط آنکه شما شریک ما باشید. تفاهم بزرگ همین است. و این تفاهم از سطح منطقه‌ای بالاتر است. مهم است که با بازیگران بزرگ هماهنگ شویم."

سخنران اول این نشست کاری، خانم فوزیه کوفی در سخنرانی خود پیرامون شرایط امنیتی افغانستان از دیدگاه خود صحبت کرد. به گفته ایشان، پس از یازدهم سپتامبر، یک تفاهم بین‌المللی برای حمایت افغانستان در جنگ علیه تروریسم بوجود آمد. اما این تفاهم بین‌المللی پس از آنچه موسوم به "بهار عربی" شد و با ظهور داعش تغییر کرد. یکبار دیگر افغانستان به میدان جنگ‌های نیابتی تبدیل شد. "مثلاً تا سال ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ گروه طالبان به حیث یک گروه تروریستی در لیست سیاه جهانی وجود داشت اما کشورهای هم بودند که به تدریج طالبان را به حیث یک گروه مشروع مطرح کرده و رفتند با گروه طالبان صحبت کردند. البته این ناشی از ضعف نهادها و ساختارهای داخلی افغانستان بود که نتوانست تمثیل خوبی از تمام موفقیت‌های افغانستان به حیث کشور مستقل باشد. او سخنرانی‌اش را با ارائه دو پیشنهاد جمع بندی کرد: "اولاً، ما نمی‌توانیم برای حل بحران افغانستان متکی به رویکرد نظامی باشیم. البته روند صلح و گفتگو با گروه‌های مخالف مسلح می‌تواند بخشی از راه‌حل باشد، ولی ما باید اقتصاد خودمان را از طریق فرصت‌های اقتصادی منطقه‌ای بهبود بخشیم. ما باید از بازی کردن نقش قربانی دست بکشیم. دوم، من پیشنهاد می‌کنم که

برای انتقال دیموکراتیک، رهبران سیاسی ما باید در پی یک سیاست همه شمول باشند. اگر همگان بتوانند در سیاست مشارکت کنند، ما می‌توانیم صلح و ثبات را تامین کنیم."

سخنران دوم این نشست کاری، دکتر فییر سخنرانی‌اش را در موضوع "مسایل حکومت‌داری داخلی در افغانستان" ارائه داد. او در آغاز سخنرانی‌اش، این واقعیت را تذکر داد که "خشونت غیر دولتی در جایی که مردم کاملاً از حکومت شان راضی هستند وجود ندارد. این گروه‌ها در جایی رشد می‌کنند که دولت سقوط کند." او با مرور تاریخچه شورشگری در کشمیر و با تحلیل نقش دولت پاکستان در ایجاد شورشگری، توضیح داد که چگونه فساد در دولت می‌تواند شورشگری را تغذیه کند. "میانگین عمر شورشگری سی و پنج سال است و بیشتر آنها به نتیجه خاصی نمی‌رسند. بیشتر شورش‌ها به طور فرسایشی خاکستر می‌شوند، زیرا مردم از حمایت مداوم آن خسته می‌شوند. اما چیزی که آنها را تغذیه می‌رساند فساد در دولت است." او از دخالت داشتن ایالات متحده آمریکا در فاسد کردن امورات افغانستان از طریق سیاست‌های نامناسب و فاسد سخن گفت اما تأکید کرد که افغانستان باید مسئولیت بهبود خود را خودش به عهده بگیرد. "مقاطع کاران آمریکایی در واقع در سرقت سرمایه شریک افغانی خود و هر آنچه‌ای که بتوانند با خود ببرند، دست داشتند. بنابراین من نمی‌گویم که افغانستان به تنهایی بخاطر مشکلات حکومت‌داری اش مقصر است. اما اگر افغانستان بخواهد به یک بازیگر تبدیل شود، باید به تنهایی این مسئله را حل کند." دکتر فییر، پیشنهاد کرد که افغانستان باید به دنبال یافتن شرکای قابل اتکاء باشد و برای یک اقتصاد پایدار کار کند. "شما باید راهی پیدا کنید که منابع زیرزمینی خود را استخراج کرده و روانه بازار کنید. باید راهی باشد که افغانستان بتواند هزینه‌هایش را خود پردازد. اما مشکل دورانی است؛ آن نوع سرمایه‌گذاری‌ها که برای استخراج منابع زیرزمینی لازم است، نیاز به امنیت دارد. " شما به شرکایی مثل ایران، هند و چین نیاز دارید. و من به شما پیشنهاد می‌کنم که از آن شرکا برای فشار آوردن بر آمریکایی‌ها استفاده کنید. " او در رابطه با روابط افغانستان و پاکستان پیشنهاد کرد که اگر تعیین سرحد میان دو کشور بتواند تنش‌ها را کاهش دهد، رسیدن به یک توافق خوب است. اما او هشدار داد که پاکستان به هر حال صحنه را ترک نمی‌کند، بنا براین افغانستان باید یک ائتلاف بین‌المللی بسازد تا پاکستان را عقب بزند و اسلام آباد را وادارد تا از حمایت تروریسم دست بردارد. او سخنرانی را با خلاصه‌سازی پیشنهادهایش اینگونه جمع بندی کرد: " شما باید نظم داخلی خود را در مسئله حکومت‌داری برقرار سازید، شما باید به روندی بیاندیشید تا جغرافیای خود را سرحدبندی کنید و شما نیاز به پیدا کردن شرکایی به غیر از ایالات متحده آمریکا دارید، زیرا من فکر نمی‌کنم که ما کشوری باشیم که شما بتوانید- حداقل تا آینده نزدیک، بر آن تکیه کنید."

سخنران سوم و آخرین نشست کاری، دکتر سرابی درمورد عوامل بی‌ثباتی سیاسی در افغانستان صحبت کرد. او سخنرانی‌اش را با ذکر خاطرات خود از دوران کارش به عنوان والی بامیان در سال ۲۰۰۵ شروع کرد و با اشاره به مشکلات متعددی که در طول انجام وظیفه‌اش تجربه کرده، از اینکه بامیان اکنون میزبان یک همایش بین‌المللی است ابراز خوش‌حالی نمود. دکتر سرابی گفت که پس از سقوط طالبان و شکل‌گیری نظم جدید، فقر و توزیع ناعادلانه ثروت یکی از عوامل مهم نارضایتی مردم بوده است. او گفت علی‌رغم حمایت بین‌المللی برای افغانستان، افغان‌ها نتوانستند حاکمیت قانون را برقرار کنند. "جهان و در رأس آن آمریکا به افغانستان آمدند که سه موضوع برای شان مهم بود: دموکراسی، حکومت‌داری و امنیت. متأسفانه حکومت‌داری در افغانستان از همان ابتدا مشکلات خود را داشت. یکی از این مشکلات، مساله حاکمیت قانون است. در افغانستان هیچ وقت حاکمیت قانون شکل نگرفت. ما تجربه‌های بسیار تلخی را داریم، مثلاً شاهدان عینی در یکی از ولایات کشور گفتند که روبه‌روی دفتر والی آن ولایت کشت کوکنار صورت می‌گرفت. تسلط تفنگداران یکی دیگر از عوامل عدم حاکمیت قانون است. هرکس که قدرت و زور داشت، تسلط اش بیشتر است."

دکتر سرابی تاکید کرد که پاسخگو نبودن حکومت‌داری محلی، حیثیت حکومت‌داری را در افغانستان خدشه دار کرده‌است. او جامعه جهانی را متهم کرد که در کنار حکومت افغانستان به ترویج فساد پرداخته است. "در ترویج فساد اداری جامعه جهانی با ما همگام بود. مثلا در زمانی که در بامیان والی بودم، بعضی قراردادهای از طرف مؤسسات بین‌المللی صورت می‌گرفت که حتی من به حیث والی بامیان از آنها خبر نداشتم. در نهایت، با توجه به محرومیت مضاعف بامیان ما مانع نمی‌شدیم؛ اما ما نمی‌توانستیم از آنها نظارت کنیم." او سخنرانی‌اش را با ارائه چند پیشنهاد خاتمه داد: "پیشنهاد ما این است که ثبات سیاسی در افغانستان به تأمین امنیت عدالت اجتماعی، زیاد وابسته است و بدون عدالت اجتماعی نمی‌تواند ثبات سیاسی بوجود بیاید. حتی در بخش صلح وقتی ما صحبت می‌کنیم تا زمانی که صلح اجتماعی بوجود نیاید صلح سیاسی نمی‌تواند تأمین شود. در ایجاد صلح اجتماعی من نقش زنان را بسیار برجسته می‌دانم. وقتی از مردم مصونیت و اعتماد بگیریم، حکومت نمی‌تواند مصون باشد. موضوع دیگری که در ثبات سیاسی نقش دارد افراط‌گرایی است. پیشنهادم این است که نظارت دقیق از مدرسه‌ها صورت بگیرد."

پرسش‌ها و اظهار نظرها:

سوال اول: دکتر فییرا! به نظرتان چه استراتژی و تاکتیک‌هایی می‌تواند ما را برای اصلاح حکومت‌داری افغانستان کمک کند؟

سوال دوم: بدون رسیدن به یک تفاهم بزرگ، ما نمی‌توانیم میان کشورهای منطقه به تفاهم برسیم. بنا براین، چگونه ما کشورهای بزرگ را متقاعد کنیم که کشورهای کوچک را در پروژه‌ها و ابتکارات بزرگ شریک کنند؟

سوال سوم: متأسفانه ما در افغانستان ظرفیت تولید رهبران سیاسی یا احزاب سیاسی را نداریم. بدون داشتن چنین ظرفیتی چگونه ما می‌توانیم به طرف حکومت دیموکراتیک حرکت کنیم؟

جواب خانم کوفی: ما باید مؤسسات خود را پاسخگو بسازیم تا همه شمول و شفاف باشند. ما باید از قدرت تمرکززدایی کنیم. تمرکززدایی تنها به معنای تقسیم قدرت نیست؛ بلکه تمرکززدایی یعنی سهم‌سازی مسئولیت‌ها و پاسخگویی. پس، ما باید خودمان را تغییر داده و پاسخگو گردیم.

جواب دکتر فییرا: اگر به مسئله فساد برگردیم، من نمی‌خواهم کسی باشم که به شما بگوید فساد قابل حل شدن است. فساد واقعا وجود دارد؛ پس ما در مورد از بین بردن کامل فساد حرف نمی‌زنیم. هیچ کشوری در این حد نیست که هیچ فسادی نداشته باشد. نمونه‌ای که من به آن نگاه می‌کنم هند است؛ یقینا هند فساد دارد اما به میزان قابل تحمل. یکی از مشخصات فساد قابل تحمل هند این است که با واگذاری قدرت به ایالات مرتبط است. ایالات مختلف هند محیط متفاوتی دارند. کاری که صورت می‌گیرد این است که شما در بین ایالات رقابت ایجاد می‌کنید. افغانستان مبتلا به تمرکزگرایی شدید است و واقعا به تغییر قانون اساسی نیاز دارد. در رابطه با رویکرد کشورهای تمویل‌کننده در بازسازی افغانستان، یقینا آنها در ترویج فساد نقش داشته‌اند. ایالات متحده امریکا بیش از آن مقداری که ظرفیت جذب بوده، پول مصرف کرده است. همین مسئله در موضوع تیم‌های بازسازی ولایتی قابل ملاحظه است. خود سیستم منحرف بوده است. ما چگونه توسط یک ناظر امریکایی که مسایل را به والی دیکته کند، حکومت‌داری محلی را تقویت کرده می‌توانیم؟ اینگونه شما نمی‌توانید اداره محلی بسازید. در رابطه با مسئله مواد مخدر، تنها یک راه حل وجود دارد و آن درآوردن افغانستان به جمع امتیازداران تولید تریاک است. متأسفانه سه کشور هند، استرالیا و ترکیه - مخصوصا ترکیه و هند که به افغانستان نزدیک‌اند، مانع افغانستان می‌شوند، چرا که قیمت تریاک آنها را پایین می‌آورد. هند سالهاست که می‌گوید ما می‌خواهیم بیشتر به افغانستان کمک کنیم. من فکر می‌کنم کاری که هند باید انجام دهد این است که به شما کمک کند تا امتیاز تولید قانونی تریاک را

به دست آورید. زیرا شما نمی‌توانید در حالی که در جنگ با شورشگری هستید، با مواد مخدر مبارزه کنید؛ هر کاری که شما برای محو مواد مخدر انجام دهید، شورشگری را خوراک می‌رساند. بعدها به تدریج شما می‌توانید در مورد محو مزارع تریاک در افغانستان فکر کنید."

جواب خانم سرابی: در مورد احزاب سیاسی متاسفانه در افغانستان احزاب سیاسی ملی هنوز هم شکل نگرفته است. به صورت عموم احزاب قومی است. مخصوصا نقش زنان بسیار کم رنگ و سمبولیک است. رهبران باید از بین مردم بیرون برآیند. این مردم افغانستان است که باید تصمیم بگیرند. هر قدر هم که انتقاد می‌کنند سر احزاب سیاسی و شیوه انتخابات، در آخر امر می‌روند به همان حزب سیاسی رای می‌دهند که شاهد به طور کافی توقعات شان را برآورده نساخته باشد. مردم افغانستان باید به آن سطح از آگاهی برسند تا واقعا احزاب ملی و فراگیر در افغانستان شکل بگیرند که شامل تمام اقوام مخصوصا زنان باشد.

نشست کاری پنجم: خلع سلاح فکری تروریست‌ها؛ روایت‌های بومی



گرداننده:

داکتر اورزلا اشرف نعمت، رییس واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

سخنرانان:

- داکتر وندا فلباب براون، پژوهشگر ارشد، انستیتوت بروکینگز - امریکا
- آنیکا سکیمینگ، پژوهشگر، دانشگاه بوستون - امریکا
- کبیر صالحی، پژوهشگر افغان

در صحبت‌های مقدماتی خود دکتر اشرف به روش‌های گوناگون مبارزه با ترور که در افغانستان به کار گرفته شده اشاره کرد و تذکر داد که برخی از این روش‌ها به نتیجه مثبت انجامیده اما برخی دیگر بی نتیجه مانده است. به گفته ایشان شکست در روش‌های مبارزه با ترور حاکی از محاسبه غلط بوده است. به همین لحاظ ما نیاز داریم تا ریشه‌های تروریزم را بشناسیم. " به همان اندازه که ردیابی منابع تقویت کننده تروریزم مهم است، انگیزه‌های ذهنی و عقیدتی آن قابل بررسی است تا راهکارهای موثر برای جلوگیری از پیوستن مردم به ایده‌ها و گروه‌های تروریستی سنجیده شود."

نخستین سخنران این نشست کاری، خانم دکتر فلیاب براون سخنرانی‌اش را با تاکید بر این نکته آغاز کرد که خلع سلاح فکری تروریست‌ها نیازمند آن است که ما بدانیم تروریست‌ها برای بقای فعالیت‌هایشان به کدام مسایل حیاتی باید پاسخ بگویند. او تاکید کرد " در واقع ما در وضعیتی قرار نداریم که بتوانیم به راحتی تروریست‌ها را خلع سلاح کنیم." به گفته ایشان، مسایلی که گروه‌های مسلح باید جوابگوی آن باشند عبارتند از: "اول) آنها باید به این مسئله را حل کنند که چگونه می‌خواهند منابع فیزیکی خود را برای دوام شورشگری تامین کنند. دوم) آنها باید انسجام کافی داشته باشند. و سوم) آنها باید این مسئله را حل کنند که چگونه افراد را به استخدام خود در آورده و در بهترین حالت پایگاه خود را حفظ نمایند و سرانجام اینکه چگونه می‌توانند پایگاه خود را در بین مردم گسترش دهند." دکتر براون گفت حمایت پاکستان از طالبان بسیار اساسی و بسیار پیچیده است. " روابط رقابتی پاکستان با طالبان از ناحیه درک استراتژیک این کشور، هم به لحاظ روابطش با افغانستان و همچنان از لحاظ رویکردش به جانب هند، و نیز از جانب محدودیت‌های داخلی خودش ناشی می‌شود. من فکر می‌کنم تصور کنترل کامل بر این روابط درک غلطی برای متوقف کردن این رابطه به دست داده است. " او تاکید کرد که پشتیبانی مالی طالبان بسیار متنوع است و شامل کشت موارد مخدر، دریافت کمک‌های مالی از خاورمیانه و مالیات‌گذاری بر منابع در دسترس در داخل افغانستان، به شمول منابع معدنی و حتی بودجه‌های دولت برای پروژه‌های انکشافی، می‌گردد. " طالبان فقط بر محصولات کشت تریاک مالیات وضع نمی‌کنند، بلکه آنها بر هر منبع در دستشان در افغانستان مالیات وضع می‌کنند." به گفته ایشان، با توجه به اینکه مواد مخدر به طالبان توانایی مالی کافی برای تامین مصارف خودشان و تامین معیشت مردم عادی می‌دهد، سیاست امحای مواد مخدر موثر واقع نخواهد شد. او تذکر داد که دولت افغانستان باید حکومت‌داری‌اش را بهبود ببخشد. " مسئله حیاتی اصلی این است که جنایت پیشگی، عدم حاکمیت قانون و حکومت‌داری چپاول‌گر و سوء استفاده جو، برای طالبان زمینه می‌دهد تا علی‌رغم بی رحمی و بدرفتاری با مردم به بقای خود ادامه دهند. وظیفه اصلی و مکانیزم اصلی برای بیرون شدن حکومت و مردم افغانستان از چرخه جنگ این است که بر ارتقای کیفیت حکومت‌داری تمرکز کنند." دکتر براون سخنان خود را با گمانه زنی در مورد دو مسیر احتمالی برای بیرون شدن احتمالی از جنگ خاتمه داد. این دو مسیر شامل مذاکره با طالبان می‌شود که زمانگیر است و انتظار برای خودویرانگری طالبان. " راه صبر کردن برای اینکه طالبان از درون ویران شوند، تنها زمانی نتیجه می‌دهد که نیروهای امنیتی افغانستان تضعیف نگردند و نظام سیاسی ظرفیت خود را برای تامین حکومت‌داری خوب انکشاف دهد."

سوال تعقیبی گرداننده نشست: چند شاخه شدن گروه‌های مسلح چه تاثیری می‌تواند بر وضعیت فعلی افغانستان بگذارد؟

جواب دکتر براون: یک تصور ساده این است که چند دستگی گروه‌های مسلح به معنای پایان جنگ است. وقتی چند دسته گی اتفاق می‌افتد در غیاب حکومت‌داری خوب و نیروهای امنیتی یکدست و قوی، معمولاً جنگ نیز چند شاخه می‌شود. این یکی از احتمالاتی است که ممکن است افغانستان به سمت آن حرکت کند.

دومین سخنران این نشست کاری آقای کبیر صالحی سخنرانی‌اش را در محور "استفاه از ارزش‌های اسلامی برای مبارزه با بنیادگرایی و تروریسم" ارائه داد. او در آغاز سخنرانی‌اش تأکید کرد که در افغانستان بنیادگرایی سنی مسئله اصلی است که باید با آن مقابله صورت گیرد. او گفت در طول تاریخ در دو دوره مهم بنیادگرایی سنی به عنوان یک تهدید سربلند کرده است؛ یکبار در اوایل ظهور اسلام به نام "خوارج" و دیگر بار در قرن بیستم پس از سقوط خلافت اسلامی عثمانی با ظهور اسلام سیاسی. به گفته ایشان، در هر دو دوره، الهیات سلفی مبنای بنیادگرایی سنی بوده است و برای مبارزه با آنها تاسیس یک الهیات میانه‌رو که توانایی برخورد منطقی داشته باشد، ضروری است. او از ابوحنیفه به عنوان یک الگو یاد کرد که توانست جنبش سلفی را بر اساس نظام الهیاتی خود علیه خوارج زیر سوال ببرد. "در افغانستان طی سال‌های گذشته رویکرد نظامی در برابر جریان‌های افراط‌گرایی حاکم بوده اما به بعد فکری و الهیاتی افراط‌گرایان اساساً توجه نشده است. وقتی حمله انتحاری اتفاق می‌افتد ممکن است برخی از علما و برخی یا از حج و اوقاف صدا بلند کنند و این حمله را محکوم کنند. ولی ما به جبهه گسترده، به نظام فکری و الهیاتی بزرگ‌تر نیاز داریم تا ما بتوانیم مهم‌ترین ابعاد افراط‌گرایی معاصر را به طور پیروزمندانه به چالش بکشیم.

سوال تعقیبی گرداننده نشست: راهکارهای عملی برای مبارزه با افراط‌گرایی مذهبی در افغانستان چیست؟

پاسخ آقای صالحی: اگر بخواهیم در حوزه مبارزه با افراط‌گرایی موفق شویم بایستی مبارزه با افراط‌گرایی را به یک گفتمان ملی تبدیل کنیم. چگونه؟ در گام نخست باید یک استراتژی ملی مبارزه با افراط‌گرایی تدوین شود. این استراتژی سه راهبرد را بایستی در نظر بگیرد: اول) راهبرد پیش‌گیری: در این راهبرد باید فعالیت‌های ما متمرکز بر حوزه‌هایی شود که افراط‌گرایان از آن جا آغاز به سر‌بازگیری می‌کنند. به عنوان مثال، مدارس دینی یکی از مراکز جلب و جذب افراط‌گرایی است. نصاب مدارس دینی باید از بنیاد تغییر کند. دوم) راهبرد کیفی: باید افراط‌گرایی جرم‌انگاری شود. سوم) راهبرد بازپروری و ادغام مجدد: وقتی افراط‌گرایان بر اساس فعالیت‌های تروریستی دست‌گیر می‌شوند و به زندان فرستاده می‌شوند، تندروتر می‌شوند. هیچ راهبردی برای بازپروری زندانیان و ادغام مجدد افراط‌گرایان به جامعه متأسفانه وجود ندارد.

سخنران آخر این نشست کاری، خانم سکیمینگ در سخنرانی خود "نقش تصوف در افغانستان" را بنا بر یافته‌های تحقیق خود توضیح داد. او این واقعیت را تذکر داد که تصوف در افغانستان از یک سابقه غنی برخوردار است که زندگی مردم را از طرق گوناگون متأثر ساخته است. "پیران صوفی میان مغول‌ها و نخبگان هرات در قرن سیزدهم میانجیگری کردند. اولین حاکم افغانستان متحد، دوست محمد خان در یک زیارتگاه صوفی‌ها در هرات مدفون است. گروه‌های صوفی در سال‌های ۱۹۸۰ تبدیل به مجاهدین شدند و چهره متفاوتی از تصوف را به نمایش گذاشتند. همه اینها نشان می‌دهد که تصوف تا چه اندازه در جامعه و سیاست افغانستان حضور دارد: خانم سکیمینگ شرح داد که شعر چه جایگاهی در مکاتب صوفیه داشته است، چنانکه به عنوان ابزار و روش تعلیم و تربیت استفاده شده است. "این کتاب‌های شعر که به زبان فارسی نوشته شده و به آسانی قابل فهم اند، اصول اعتقادات اسلامی را در برمی‌گیرند. شعر تبدیل به سنت شفاهی شده و به عنوان معیار ارزش‌یابی برخی از چارچوب‌های فکری- به شمول اصول اخلاقی و ارزش‌های گوناگون اسلامی، استفاده می‌شده است. شعر نه تنها در تعلیمات مدارس و مساجد، بلکه همچنان در زندگی روزمره مردم کاربرد داشت." به گفته ایشان، این سنت خواندن کتاب‌های شعر به تدریج با رواج یافتن تمرکز بیشتر بر قرآن و حدیث، محدود به خانقاه‌ها شد. او در جمع بندی سخنان خود گفت که امروزه مکاتب صوفیه زیر انتقادات متعدد قرار گرفته و باعث شده تا پیروان تصوف با ایجاد مراکز NGO مانند به دفاع از خود بپردازند. "جالب اینجاست که این گروه‌ها، گروه‌های مردمی اند. تا یک اندازه آنها را می‌توان با نمونه‌های غربی گروه‌های مردمی مقایسه کرد. اما فرق شان این است که در اینجا آنها در گستره وسیع‌تری در پی

توجه کردن ارزش‌های خود و متقاعد کردن مردم برای مدارا با خود هستند. از سوی دیگر، ما می‌بینیم آنها خود را به گونه موسسات غیر دولتی به رسمیت شناخته شده از سوی دولت تنظیم کرده‌اند. بنا بر این، ما می‌بینیم تصوف برای تعامل با جامعه دچار یک نوع دگرگونی شده است.

سوال تعقیبی گرداننده نشست: در رابطه با پیوند میان تصوف و تروریسم، ما می‌دانیم که برخی از طالبان از جمله صوفیه هستند، شما این را چگونه توضیح می‌دهید؟

پاسخ خانم سکیمینگ: تصوف یک مکتب فکری است که همیشه صلح آمیز نبوده است. هر جای که رهبری و پیروانی وجود دارند، بسیج کردن مردم برای جنگ کار آسان است. تصوف مانند یک ابزار است که به طرق گوناگون می‌توان از آن استفاده کرد. مانند دیگر ابزارها، مانند اسلام. ما می‌توانیم آنها را به شکل‌های مختلف استفاده کنیم. با تذکر این نکته، جالب است که ما به تفاوت‌ها میان گروه‌های مختلف شورشی نگاه کنیم. زیرا الگوهای آنها در سوریه یا عراق - که ما شاهد تخریب زیارتگاه‌ها و کشتن صوفی‌ها بوده ایم، با طالبان در افغانستان فرق می‌کند. البته تحقیق من تکمیل نشده است. ولی جالب توجه است که در زمان طالبان، زیارتگاه‌های صوفیان تخریب نشدند. طالبان در برابر دروازه‌های این زیارتگاه‌ها محافظ می‌گذاشتند، مردم را از رفتن به آنجا منع می‌کردند و در کنار آن مساجد خود را می‌ساختند و تعالیم خود را تدریس می‌کردند. ما طالبان را به عنوان یک جنبش اساسا پشتون می‌شناسیم و بسیاری پشتون‌ها روابط محکمی با پیران صوفی گوناگون دارند. بنا بر این، یک پیوند فرهنگی تا اندازه‌ای میان آنها وجود دارد. حالا وضعیت کمی بیشتر پیچیده شده است و ما گروه‌های متفاوت را با میزان متفاوت همبستگی با تصوف می‌بینیم."

پرسش‌ها و اظهار نظرها:

سوال اول: آقای صالحی! در رابطه با پیشنهاد شما برای ایجاد یک چارچوب الهیاتی بزرگ، فکر نمی‌کنید که طالبان هم در پی تطبیق همچون فرهنگی در افغانستان بود؟

سوال دوم: کشورهای اسلامی چگونه می‌توانند در زمینه تعریف مشترک از تروریسم به توافق برسند؟

سوال سوم: من فکر می‌کنم سازمان‌های استخباراتی برای ما تصوف و اسلام حنفی را ساخته‌اند. در حال حاضر ما فرقه‌های مختلف اسلامی داریم. چگونه ما می‌توانیم به یک اجماع ملی برسیم و همه را در یک محور فکری جمع کنیم؟

اظهار نظر اول: مسئله این است که تروریسم به حیث سیاست خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد. به همین دلیل است که ما تعریف مشترکی از تروریسم نداریم.

اظهار نظر دوم: گروه‌های تروریستی مانند طالبان، داعش و القاعده، بخاطر عدم تساهل و مدارا در جوامع ما ظهور کردند. علاوه بر این ما دو نوع تصوف در افغانستان داریم؛ یکی تصوفی که توسط سازمان‌های استخباراتی ایجاد شده و دیگری تصوف بومی است که محصول تعامل ارزش‌های تاریخی و فرهنگی گذشته ما با اسلام است.

جواب آقای صالحی: وقتی می‌گویم مبارزه با افراط‌گرایی به گفتمان ملی تبدیل شود یعنی هر یکی از ما در هر حوزه که کار می‌کنیم یکی از وظایف ما این باشد که با افراط‌گرایی مبارزه کنیم. رسانه‌ها، نویسندگان، اساتید و دیگر اقشار جامعه در این مبارزه باید سهم بگیرند. این هم باید بر اساس یک استراتژی ملی باید صورت بگیرد. منابع تولید فکر را که شما نشانه گرفتید به سمت پاکستان بود. اما فراموش نکنید که در افغانستان هم منابع تولید فکر افراط‌گرایانه به وفور یافت می‌شود. ما قبل از آنکه فراقنی بکنیم و انگشت

انتقاد و اتهام را به سمت پاکستان نشانه بگیریم اول باید به سمت خود نشانه بگیریم. اگر بخواهیم با افراط‌گرایی مبارزه کنیم دو کار اگر شود خیلی خوب است. اول ما مانع طلاب و دانشجویان شویم که به مدارس پاکستان می‌روند. دوم کیفیت درس در مدارس ما با قرائت معتدل از اسلام ارتقا کند. اگر ما الهیات خشونت پرهیزی را بتوانیم بنیاد بگذاریم زمینه آشتی بین تمام مذاهب اسلامی فراهم می‌شود. در حال حاضر هریکی از گردانندگان مذاهب اسلامی نحله خود را حق مطلق می‌دانند و دیگران را تکفیر می‌کنند. در این حوزه هیچ تفاوتی بین شیعه و سنی، معتزله و خوارج وجود ندارد.

نشست کاری ششم: نگاهی به آینده



گرداننده:

خانم جیوتی ملهوترا، روزنامه نگار، روزنامه اندیان اکسپرس

سخنرانان:

- داکتر نصیر احمد اندیشه، معین، وزارت امور خارجه افغانستان
- داکتر قاسم شاه، رییس، مرکز مطالعات افغانستان، تاجیکستان
- جلالتمآب آقای سفیر رونالد نیومن، سفیر اسبق آمریکا در افغانستان

در صحبت‌های مقدماتی خود، خانم ملهوترا تاکید کرد که "روابط افغانستان- آسیای میانه همانند روابط افغانستان آسیای جنوبی بسیار پیچیده است. بنا براین نیاز مبرم و استراتژیک برای بازیافتن جایگاه مرکزی افغانستان در قلب آسیا وجود دارد. حاصل پانزده سال تلاش افغانستان برای دستیابی به این هدف به امید و خوشبینی تازه‌ای درمورد آینده این کشور دامن زده است. افغانستان اگرچه به صورت آهسته، کنترل وضعیت خود را در قلب آسیا-بخصوص در رابطه با همسایه‌گانش، بدست آورده است. اما این به

معنای هموار بودن جاده پیش روی نیست. این کشور هنوز با مشکلات فراوان مانند تروریسم که محدود به افغانستان نمی‌شود، دست به گریبان است. پس، نحوه برخورد با این مشکل تاثیر زیادی بر تلاش‌های افغانستان برای کسب جایگاه مرکزی‌اش در منطقه دارد." سخنران نخست این نشست کاری، آقای دکتر اندیشه در سخنرانی‌اش بر تکامل تاریخی حکومت افغانستان تمرکز کرد. "دیدگاه شخصی من معطوف به چشم انداز مثبت در رابطه با آینده افغانستان است. این کشور از جنگ‌های طولانی مدت و فاجعه بار در طول چندین دهه رنج برده است. اما شرایط فعلی و روندهای جاری در مورد آینده نوید بخش اند." او تاکید کرد که افغانستان برای پیشرفت باید از گذشته بیاموزد و سیاست‌های معطوف به آینده را دنبال کند. "نیازی به تعقیب نظریه تعیین تاریخی نیست. واقعا نشانه‌های امید بخش در مورد آینده کشور این جرات و جسارت را می‌دهد که نه تنها بر مشکلات غلبه کنیم بلکه همچنان بتوانیم گام‌هایی در راستای پیشرفت و ثبات در افغانستان و منطقه برداریم." او گفت تغییراتی که طی جنگ‌های داخلی و سال‌های پس از ۲۰۰۱ در کشور ایجاد شده، توجیه کننده یک رویکرد آینده‌نگر می‌تواند باشد. "پیش از این تغییر، افغانستان از ساختار سیاسی دیکتاتوری و اقتدارگرایانه رنج می‌برد که بیشتر ناشی از بستر خاص اجتماعی این کشور بود. بوجود آمدن توازن نسبی میان قبیله گرایی، سلطنت طلبی و اسلام‌گرایی مهمترین ویژه گی آن زمان بود. اما بنا بر تغییرات انقلابی در صحنه سیاسی و زندگی اجتماعی افغانستان، این توازن برهم خورد. برهم خوردن این توازن، امید ایجاد تغییرات رادیکال را بوجود آورد. بخصوص در ساختار سیاسی دیموکراتیک فعلی افغانستان، وظیفه پیدا کردن راه‌حل‌ها برای بهبود وضعیت کشور آسانتر شده است. او همچنان در رابطه با مسایل منطقه‌ای بر ضرورت استفاده از فرصت‌های تازه و در نظر گرفتن افغانستان به حیث پل اتصال منطقه‌ای تاکید کرد." در رابطه با بعد منطقه‌ای هم شرایط موجود دو گونه تفسیر می‌شود. اولین رویکرد افغانستان را به حیث مرکز رقابت‌ها می‌نگرد. اما نگرش دوم افغانستان را به حیث مرکز برای همایش کشورهای منطقه به شمول آسیای میانه در نظر می‌گیرد. اینکه بازیگران منطقه‌ای به کدام رویکرد متوجه شوند بستگی به عملکرد افغانستان دارد. اگر افغانستان خوب بازی کند، آنگاه کشورهای منطقه‌ای این کشور را به صورت دهلیز یا مرکز اتصال آسیای میانه به آسیای جنوبی می‌بینند. اما اگر کیفیت بازی افغانستان ضعیف باشد، طبیعتا افغانستان به عنوان مرکز مناقشات در نظر گرفته خواهد شد."

سخنران دوم این نشست کاری، آقای نیومن در مورد ضرورت بهبود اردوی ملی افغانستان و حکومت‌داری خوب صحبت کرد. او گفت در حالی که ایالات متحده امریکا به حمایت از افغانستان متعهد است، این افغان‌ها هستند که باید آینده خودشان را بسازند." اندک شکی وجود دارد که سیاست‌های امریکا به جانب افغانستان دچار سردرگمی و پیچیده‌گی‌هاست. بنا براین، من در مورد این سردرگمی حرف نمی‌زنم. بسیار واضح است که آنچه ایالات متحده امریکا از افغانستان می‌خواهد وضعیتی است که این کشور با تهدید مواجه نباشد. برای رسیدن به این هدف، افغانستان نیاز به یک دولت، ارتش و اقتصاد قوی دارد. از سال ۲۰۰۱ به این سو، دیدگاه دولت امریکا به جانب افغانستان به گونه اساسی تغییر کرده است. در سیاست‌های فعلی ایالات متحده امریکا، افغانستان اهمیت اندک دارد. افغانستان در رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری اخیر امریکا به عنوان یک مسئله مطرح نشد و در شبکه‌های خبری امریکا در موردش خبری شنیده نمی‌شود. من شک دارم که حتی یک هزار نفر به هیچ یک از کاندیدها (کلینتون یا ترامپ) بخاطر برنامه ایشان در مورد افغانستان رای داده باشند. بسیاری‌ها در مورد پیروزی پروژه امریکا در افغانستان شک دارند. آنها فکر می‌کنند که افغانستان همانگونه که سابقا خراب بوده، خراب باقی می‌ماند. در حال حاضر، سیاست امریکا عمدتا معطوف راه‌حل نظامی است نه راه‌حل سیاسی. زیرا راه‌حل سیاسی دشوار است. به هر حال، علی‌رغم این واقعیت که تردید زیاد در مورد سیاست‌های امریکا در مورد افغانستان وجود دارد، این شک و تردید به اندازه کافی قوی نیست تا بر سیاست امریکا به جانب افغانستان فشار بیاورد. دولت فعلی امریکا برای تصمیم‌گیری

در مورد افغانستان آزاد است. این آزادی این امید را زنده نگاه می‌دارد که امریکا افغانستان را برای غلبه بر مشکلات اصلی‌اش تا بر پای خود ایستادن کمک خواهد کرد. ایالات متحده امریکا سربازان بیشتری در افغانستان خواهد داشت و ضرب العجل‌های خود را برای پروژه‌هایشان در افغانستان متوقف خواهند کرد. دولت فعلی امریکا می‌خواهد سیاست واضحی در رابطه به منطقه (روسیه، ایران و پاکستان به شمول افغانستان) داشته باشد. به عنوان جمع بندی حرف‌ها به دو نکته اشاره می‌کنم. این خبر بسیار خوب برای افغانستان است که دولت امریکا پروژه‌های خود را محدود به جدول زمانی نمی‌کند. فشار آوردن بر عملکرد بهتر دولت افغانستان - به شمول ارتش، نقطه مثبت دیگر است. این آرزومندی در اداره امریکا وجود دارد که عملکرد دولت افغانستان را بهتر سازد. تذکر این نکته مهم است که آنگونه که بسیاری مردم فکر می‌کنند، ایالات متحده امریکا برای تطبیق راه‌حل‌های سیاسی خرد و مهارت کافی ندارد تا سیاست‌های محلی را مدیریت کند. ایالات متحده امریکا یک کشور بزرگ است و سرگرم مسایل زیاد در اطراف جهان می‌باشد. این کشور مراکز متعدد قدرت دارد. علاوه بر آن ایالات متحده امریکا عادت ندارد به سفرای خود قدرت زیاد بدهد تا هرچه می‌خواهند انجام دهند. زیرا قدرت زیاد دادن به سفیرها می‌تواند برای امریکا درد سر بیافریند و حتی آنرا با جنگ مواجه سازد. بنا براین این وظیفه افغانستان است که در مورد سیاست‌های آینده خود تصمیم بگیرد. امریکا در افغانستان باقی خواهد ماند و به کمک‌هایش به این کشور جهت رسیدن به اهدافش ادامه خواهد داد."

سخنران آخر این نشست کاری آقای اسکندروف، در مورد وضعیت فعلی جئوپولیتیک در اطراف افغانستان توضیح داد و تاکید کرد که تامین صلح در افغانستان نیاز به یک تفاهم استراتژیک میان بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی دارد. "موقعیت جغرافیایی افغانستان سبب شده است که در طول قرن‌های گذشته این کشور به حیث یک معبر برای لشکرکشی به هندوستان استفاده شود. در نیمه قرن بیست تقریباً در افغانستان یک توازن میان قدرت‌ها شکل گرفت و امریکا و روسیه به بازیگران اصلی تبدیل شدند اما به هر صورت یک توازن وجود داشت. مشکل هم در همان زمان بوجود آمد که یک طرف تلاش کرد توازن را به نفع خودش تغییر دهد. البته بازیگران صحنه جیوپولیتیک افغانستان خیلی زیاد شدند. اگر در گذشته دو قدرت باهم در افغانستان رقابت می‌کردند حالا می‌بینیم که کشورهای خیلی زیادی وارد این بازی شده‌اند. قبلاً دولت‌ها بودند، حالا علاوه بر آن، احزاب سیاسی، شرکت‌های فراملتی که در افغانستان منفعت‌های دارند و گروه‌های مافیایی هستند که صاحب نفوذ هستند یا رسانه‌های خبری بزرگ هستند که در افکار عامه تأثیر می‌گذارند. یعنی بازیگران در افغانستان خیلی زیاد شده که در نتیجه راه‌حل را هم مشکل و پیچیده‌تر کرده است. امروز هم وقت آن رسیده که میان بازیگران تفاهم صورت بگیرد. در غیر آن منازعه سال‌ها در افغانستان ادامه خواهد یافت. موضوع دیگر، استفاده از گروه‌های تروریستی است که متاسفانه معیارهای گوناگون، مبارزه دوگانه با تروریسم بوجود آمده است، جنگ‌های نیابتی شکل گرفته و برخی از کشورها از این گروه‌های تروریستی به نفع شان استفاده می‌کنند. شاید خود این گروه‌های تروریستی و جنگجویان آن درک نکنند که ابزار دست سیاست‌های خارجی کشورها قرار گرفته اند. در بعد منطقه‌ای، بازیگر اصلی پاکستان است. پیشنهاد من این است که یک گفتگوی جدی میان افغانستان و پاکستان صورت بگیرد. تا فهمیده شود که خواست‌های پاکستان از افغانستان چیست و برعکس، افغانستان از پاکستان چه می‌خواهد. این دو کشور باید به توافق برسند. اگر مشکل میان این دو کشور خط مرزی باشد، باید برای حل آن یک فرمول پیدا شود و اگر نه جنگ در افغانستان ختم نمی‌شود و تروریست‌ها از ده‌ها مدرسه دینی که در پاکستان است وارد افغانستان خواهد شد. مسایلی دیگر که می‌خواستم روی آن تأکید بکنم این است که متاسفانه افغانستان امروز قربانی یک نوع رقابت‌های بین پاکستان و هند شده است. کشورهای آسیای مرکزی در مجموع نظر واحد در مورد افغانستان ندارند. هریک از کشورها بسته به مرز مشترک یا منفعت‌های که در افغانستان دارد نظر شان هم در مورد افغانستان متفاوت است. اما افغانستان در سیاست خارجی تاجیکستان در اولویت قرار دارد. یعنی منفعت تاجیکستان در افغانستان، صلح و ثبات در افغانستان

است. ما سه هدف استراتژیک در تاجیکستان داریم. اول، رها کردن کشور از بن بست راه عبور و مرور است که این از طریق افغانستان حل می‌شود، هدف دوم انرژی است و این هم از طریق افغانستان ممکن می‌شود. ذخایر فراوان انرژی را که داریم برای ما خیلی زیاد است و پروژه‌های دیگری داریم که به نفع هر دو کشور تمام می‌شود. اما ما مشکل امنیتی داریم. جنگ‌ها تا مرزهای ما رسیده است. البته هر کشوری حق دارد کاری بکند و مرزهایش را تحکیم کند و از صلح و ثباتی فعلی در تاجیکستان دفاع کند. مساله اصلی تأمین صلح و ثبات در افغانستان است. بخشی از این مساله مربوط به افغانستان است که باید طی گفت‌وگوهای ملی این اختلافات را افغان‌ها حل کنند. فکر می‌کنم زمان آن فرا رسیده است که این «غیرت افغانی» برای آوردن صلح در افغانستان بلند شود."

پرسش‌ها و اظهار نظرها:

نقطه نظرات و پرسش‌های مطرح شده از سوی مشارکت کننده گان در برگیرنده آینده روابط افغانستان و ایالات متحده امریکا، مشکلات گروه‌های افراطگرا در آسیای میانه و افغانستان و بالاخره مسئله تلاش‌های افغانستان برای غلبه بر مشکلات فعلی‌اش بود. در رابطه به نقش امریکا در آینده افغانستان آقای نیومن اطمینان داد که امریکا کمک‌هایش را به افغانستان ادامه خواهد داد و بدون دلیل از افغانستان خارج نخواهد شد. او همچنان در مورد نسل جوان افغانستان ابراز امیدواری کرد که بتوانند نقش بیشتری در ثبات و پیشرفت کشورشان داشته باشند. در رابطه به تهدید گروه‌های تروریستی در کشورهای آسیای میانه، آقای اسکندروف گفت که در مورد فعالیت گروه‌های تروریستی در تاجیکستان اغراق صورت گرفته است و آنها قدرت کافی ندارد تا علیه افغانستان و منطقه تهدید آفرینی کنند.

در پایان دکتر داوود مرادیان، رئیس انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان دوباره از مقامات بامیان بخاطر همکاری در برگزاری کنفرانس به نحو احسن و همچنین از سفارت ایالات متحده امریکا در کابل برای حمایت مالی کنفرانس تشکر کرد. وی از اشتراک کنندگان دعوت نمود تا در برنامه‌های آینده انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان شرکت کنند.

ضمایم

ضمیمه ۱ برنامه کاری:

پنجشنبه، ۲۲ سرطان	
۱۶:۰۰	ورود شرکت کنندگان به بامیان
۱۹:۰۰	استراحت/ ضیافت نان شب
جمعه، ۲۳ سرطان	
نشست آغازین کنفرانس	
۸:۳۰ الی ۹:۳۰	<ul style="list-style-type: none"> • تلاوت قرآن مجید • سرود ملی • مناجات خواجه عبدالله انصاری • اجرای موسیقی محلی • خوشامدگویی توسط رییس انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان • خوشامدگویی توسط والی محترم ولایت بامیان طاهر زهیر • سخنران ویژه: جالتماب داکتر عبدالله عبدالله رییس اجراییه ج.ا.افغانستان
جلسه اول: جهان در حال گذار؛ بازگشت جیوپلیتیک؛ سیر تکاملی تروریسم	
۹:۳۰ الی ۱۱:۰۰	گرداننده محترم لطف الله نجفی زاده، مسوول طلوع نیوز
	سخنرانان ۱. امرالله صالح، رییس روند سبز افغانستان ۲. داکتر نظیف شهرانی، استاد دانشگاه اندیانا - امریکا ۳. اکملجون عبدالله یوف، پژوهشگر دانشگاه اقتصاد جهان و دیپلوماسی - ازبکستان بحث آزاد
۱۱:۰۰ الی ۱۱:۳۰	صرف چای
جلسه دوم: بازی بزرگ جدید: کشورهای آسیای میانه: بازیگران یا ناظرین منفعل؟	
۱۱:۳۰ الی ۱۳:۰۰	گرداننده داکتر ولادمیر پارامانوف، رییس انستیتوت مطالعات اوراسیا ازبکستان
	سخنرانان ۱. داکتر عبدالله رهنما، پژوهشگر ارشد، مرکز مطالعات استراتژیک تحت نظر رییس جمهور - تاجیکستان ۲. اسکندر اکیلبایف، پژوهشگر ارشد انستیتوت مطالعات استراتژیک قزاقستان ۳. باتیر محمودوف، پژوهشگر، ترکمنستان ۴. ژنوس یرگالیف، مستشار سیاسی سفارت قزاقستان در کابل بحث آزاد

۱۳:۰۰ الی ۱۴:۰۰	صرف نان چاشت	
	جلسه سوم: بازیگران خارجی؛ چارچوب و قواعد بازی	
	گرداننده	خانم عادلہ راز، معین اقتصادی، وزارت امور خارجه افغانستان
۱۴:۰۰ الی ۱۵:۳۰	سخنرانان	<ol style="list-style-type: none"> ۱. جلالتمآب سفیر سید رسول موسوی، مشاور وزارت امور خارجه ایران ۲. بشرا گوهر، معاون حزب ملی عوامی پاکستان ۳. داکتر رون زونگری، معاون انسیتوت مطالعات بینالمللی چین ۴. داکتر ولادیمیر بایکو، رییس انسیتوت مطالعات آسیایی روسیه ۵. استیفان تنکل، پژوهشگر ارشد، مرکز مطالعات امنیتی امریکای نوین، امریکا بحث آزاد
۱۵:۳۰ الی ۱۶:۰۰	صرف چای	
	جلسه چهارم: افغانستان: از بازی بزرگ تا تفاهم بزرگ	
	گرداننده	داکتر عبدالغفور لیوال، سرپرست وزیر امور قبايل جمهوری افغانستان و استاد دانشگاه
۱۶:۰۰ الی ۱۷:۳۰	سخنرانان	<ol style="list-style-type: none"> ۱. فوزیه کوفی، عضو پارلمان - افغانستان ۲. داکتر کرسٹین فییر، استاد دانشگاه جورج تاون، امریکا ۳. داکتر حبیبہ سراپی، معاون، شورای عالی صلح افغانستان بحث آزاد
۱۹:۰۰ الی ۲۱:۰۰	ضیافت رسمی توسط والی محترم شهر بامیان و برنامه فرهنگی	

شنبه، ۲۴ سرطان

۸:۳۰ الی ۹:۰۰	موسیقی سنتی عرفانی	
	جلسه پنجم: خلع سلاح فکری تروریسم؛ روایت‌های بومی مبارزه با تروریسم	
	گرداننده	داکتر اورزلا اشرف نعمت، رییس واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان
۹:۰۰ الی ۱۰:۳۰	سخنرانان	<ol style="list-style-type: none"> ۱. داکتر واندا فلیاب براون، پژوهشگر ارشد، انسیتوت بروکینگز - امریکا ۲. آنیکا شیمنگ، پژوهشگر، دانشگاه بوستون - امریکا ۳. کبیر صالحی، پژوهشگر افغان بحث آزاد
۱۰:۳۰ الی ۱۱:۰۰	صرف چای	
	جلسه ششم: نگاهی به آینده	
	گرداننده	خانم جیوتی ملهوترا، روزنامه نگار، روزنامه اندیان اکسپرس
۱۱:۰۰ الی ۱۳:۰۰	سخنرانان	<ol style="list-style-type: none"> ۱. داکتر نصیر احمد اندیشه، معین، وزارت امور خارجه افغانستان ۲. داکتر قاسم شاه، رییس، مرکز مطالعات افغانستان، تاجیکستان ۳. جلالتمآب آقای سفیر رونالد نیومن، سفیر اسبق امریکا در افغانستان بحث آزاد
۱۳:۰۰ الی ۱۴:۰۰	صرف نان چاشت	
	برگشت به کابل	

Name	Designation	Organization
Islamic Republic of Afghanistan		
Abdullah, Abdullah	CEO	Afghan National Unity Government
Andisha, Nasir Ahmad	Deputy Minister of Administrative Affairs	Ministry of Foreign Affairs
Asey, Tamim	Deputy Minister for Policy and Strategy	Ministry of Defense
Amiri, Hadeia	Official	Ministry of Foreign Affairs
Azimi, Mohammad Naeem		Political Expert
Bek, Matin	Deputy	National Directorate of Security (NDS)
Fawzi, Habibullah	Member	Afghanistan High Peace Council
Forugh, Tabish	Activist	Civil Society
Hafezi, Azaraksh	Media Advisor	Afghanistan Chamber of Commerce and Industries
Haidari, M. Ashraf	Director-General of Policy and Strategy	Ministry of Foreign Affairs
Kabiri, Nazir	Advisor	Ministry of Finance
Kawa, Parwiz	Editor-in- Chief	Hasht-e- Subh Daily Newspaper
Khalid, Abdulhadi	Senior Advisor	Ministry of Interior Affairs
Khenjani, Abdullah	Head	1TV Media
Koofi, Fawzia	Member	Parliament
Liwal, Abdulghafoor	Acting Minister	Ministry of Border and Tribal Affairs
Najafizada, Lutfullah	Head	TOLO News
Nemat, Orzal Asharf	Director	Afghanistan Research and Evaluation Unit (AREU)
Niazi, Rafiullah	Director	Center for Regional Studies
Noyan, Abbas		Political Expert
Paryani, Nazari	Editor-in- Chief	Mandagar Daily Newspaper
Rafee, Aziz	Executive Director	Afghanistan Civil Society Forum
Raz, Adela	Deputy Foreign Minister for Economic Affairs	Ministry of Foreign Affairs
Rezaee, Shah Gul	Member	Parliament
Saihon, Saifuddin	Professor	Kabul University
Saleh, Amrullah	Former Director/Chair Person	National Directorate of Security (NDS)/Afghan Green Trend
Salehi, Abdul Kabir	Researcher	Afghanistan High Peace Council
Sarabi, Habiba	Deputy Chair	
Sarfaraz, Matin	Deputy Passport Directorate General	Ministry of Interior Affairs
Sediqi, Sediq	Director	Afghanistan's Government Media and Information Center
Sharifi, Arian	Director of Strategic Threat Assessment	Afghanistan Office of the National Security Council
Sherjan, Hasina	Founder and CEO	AID for Afghanistan Education
Sidiqi, M. Rafi Rafiq	Deputy CEO	Khorshid TV
Spanta, Rangin Dadfar	Former Foreign Minister and NSA	Ministry of Foreign Affairs of Afghanistan, NSA
Sobhrang, Soraya	Commissioner	Afghanistan Independent Human Rights Commission (AIHRC)
Spinghar, Jandad	Director	Election and Transparency Watch Organization of Afghanistan
Wafaeezadah, M. Qasem	Deputy Director General on Policy and Planning	Afghanistan Civil Aviation Authority
Yarmand, Mirza Mohammad		Military Expert
Zarbafiyani, Fahima	Officer	World Bank
Bamyan Guests		
Zaher, Mohammad Tahir	Governor	Bamyan Province
Ahmadi, Hussaindad	Civil Society Activist	Civil Society
Ahmadi, Mohammad Yasin	Chairman	Bamyan Ullamah Council

Aliyar, Mohammad Sadiq	Director	Bamyan Provincial Peace Committee
Aman, Mohammad Aman	Mayor	Bamyan Municipality
Asghar, Mohammad Zahir	Chief Finance Officer	Bamyan provincial Office
Ataee, Soghra	Civil Society Activist	Civil Society
Ekhlaqi, Abdulrahim	Head	Bamika University
Ettehaj, Amin	Lecturer	Bamyan University
Ezadyar, Abdul Mobin	Police Chief	Bamyan Province
Joya, Amin	Deputy	Bamyan University
Kamawi, Wafiullah	Head	Bamyan Provincial Directorate of Health
Khawari, Masooma	Chancellor	Bamyan University
Motamadi, Zahra	Head	Bamyan Independent Human Rights Commission
Mozahari, Mohammad Yosouf	Head	Bamyan Provincial Council
Ranjbar, Hassan	Head	Bamyan Political Parties
Rostazadah, Hayatullah	Director	Bamyan National Security
Salik, Karima	Director	Bamyan Women Affairs
Shafaq, Musa	Lecturer	Bamyan University
Soroosh, Salman Ali	Director	Bamyan Province Court of Appeal
Tahiri, Ghawsuddin	Director	Bamyan Provincial Court
Yasin, Mohammad Hashim	Commander	Bamyan Province Coordinating Zone
Zaki, Ismaeel	Civil Society Activist	Civil Society
United States of America		
Brown, Vanda Felbab	Senior Fellow	Brookings Institution
Fair, C. Christine	Associate Professor	George Town University
Neumann, Ronald E.	President	American Academy of Diplomacy
Schmeding, Annika	PhD Candidate	Department of Anthropology, Boston University
Shahrani, Nazif M.	Professor of Anthropology	Indiana University
Tankel, Stephen	Adjunct Senior Fellow	Center for a New American Security
People's Republic of China		
Zongze, Ruan	Executive Vice President	China Institute of International Studies
Peng, YAN	Deputy Chief of Political Division	Embassy of the People's Republic of China, Kabul
Xiaotong, Wang	Third Secretary	Embassy of the People's Republic of China, Kabul
Arab Republic of Egypt		
Fouda, Ibrahim	Deputy Head of Mission	Embassy of the Arab Republic of Egypt
El Sherif, Walid	Counselor	Embassy of the Arab Republic of Egypt
Republic of India		
Malhotra, Jyoti	Consulting Editor	India Express
Jaiswal, Pramod	Senior Fellow	Institute of Peace and Conflict Studies (IPCS)
Ravi, Vasudev	Second Secretary	Embassy of India, Kabul
Islamic Republic of Iran		
Mosavi, Sayed Rasoul (Amb)	Advisor	Ministry of Foreign Affairs
Islamic Republic of Pakistan		
Gohar, Bushra	Central Vice President	Awami National Party
Russian Federation		
Boyko, Vladimir	Director	Asiatic expert-analytical center, Altai State University
Kulakov, Oleg	Lecturer	Military University of the Russian Defense Ministry
Republic of Tajikistan		
Iskandarov, Kosimsha	Director	Centre of Regional and Afghanistan Studies
Hakim, Abdullohi Rahnamo	Head of Department of Analyzing and Forecasting of Foreign Policy	Centre for Strategic Researches under the President of the Republic of Tajikistan
Davlatov, Rakhmadkarim		Journalist
Republic of Turkmenistan		
Mamedov, Batyr	Chairman of the International Relations Committee	Public Sport Organization
Republic of Kazakhstan		

Yergaliyev, Zhunus Akylbayev, Iskander	Consul Senior Research Fellow	Kazakhstan Embassy
Republic of Uzbekistan		
Paramonov, Vladimir Abdullayev, Akmaljon	Director Researcher	Analytical Project Central Eurasia World University of Economy and Diplomacy
Republic of Turkey		
ÇINAR, Ali Ergun	Coordinator	Turkish Coordination and Cooperation Agency (TiKA)
North Atlantic Treaty Organization (NATO)		
Armstrong, James	Political Advisor to NATO Senior Civilian Representative	Resolute Support HQ
Medeiros, Sheila	Military Assistant to the NATO DSCR	Resolute Support HQ
United Nations Regional Centre for Preventive Diplomacy for Central Asia		
Pupols, Armands	Political Affairs Officer	UNRCCA
United Nations Assistant Nation for Afghanistan (UNAMA)		
Razzoq, Olamgir	Political Affairs Officer	UNAMA

ضمیمه ۳ بازتاب خبری همایش در رسانه های ملی و بین المللی:

رسانه های بین المللی:

- [دویچه وله](#)
- [پیام آفتاب](#)
- [بی بی سی](#)
- [وای جی سی](#)
- [فرگنان نیوز](#)

رسانه های داخلی:

- [طلوع نیوز](#)
- [اطلاعات روز](#)
- [هشت صبح](#)
- [روزنامه ماندگار](#)
- [آریانا نیوز](#)
- [تلویزیون یک](#)
- [سلام وطندار](#)
- [راديو آشنا صدای امریکا](#)
- [کابل تایمز آنلاین](#)

ضمیمه ۴ لوگو و تصاویر همایش:

لوگوی همایش:



ضيافت رسمي و برنامه فرهنگي



تصویر همایش:



* پایان *

تماس با ما:

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان
قلعه ۹ برج، کارته پروان، کابل، افغانستان
پست بکس: ۵۲۱۴ پسته خانه مرکزی

www.aiss.af

contact@aiss.af

www.facebook.com/afghaninstituteforstrategicstudies

Twitter: twitter.com/AISS_Afg

Linkedin: Afghan Institute for Strategic Studies